

جامعه شناسی شیطان پرستی

شیطان پرستی یکی از اعتقاداتی است که برخی به آن پیشینه هزاران ساله می‌دهند و دلیل آن را نیز پرستش هر موجود دارای قدرت توسط مردمان هزاران سال پیش و یا در نظر گرفتن دو خدای ضد هم یعنی خدای خیر و شر می‌دانند



گردآوری و تحقیق: مریم سعادت

فصل یک) مقدمه: شیطان پرستی یکی از اعتقاداتی است که برخی به آن پیشینه هزاران ساله می‌دهند و دلیل آن را نیز پرستش هر موجود دارای قدرت توسط مردمان هزاران سال پیش و یا در نظر گرفتن دو خدای ضد هم یعنی خدای خیر و شر می‌دانند. شیطان پرستی دنیایی را ترسیم می‌کند که هیچ روزنه امیدی برای آن متصور نیست. به همین جهت شیطان پرستی را جهان تاریک می‌گویند. شیطان پرستی حقیقتی را جستجو می‌کند که در این جهان یافت نمی‌شود. خود کشی توجیهی اینگونه دارد، "اگر بررسی چرا خودت را می‌کشی؟" پاسخ می‌دهد: می‌خواهم به حقیقت برسم و حقیقت در این دنیا به دست نمی‌آید. عمده ترین نشانه شیطان پرستی را در تجاوز و قتل به ویژه در تجاوز به کودکان و نوجوانان به همراه قتل آنان باید دید. شیطان‌پرستی به چه معناست؟

شیطان پرستی به معنی پرستش شیطان به عنوان قدرتی فوق العاده قوی و بسیار قویتر و موثرتر از نیروهای خوب دنیوی همچون خدا است. در شیطان پرستی شیطان به عنوان نماد قدرت و حاکمیت بر روی زمین، قدرتی به عنوان برترین قدرت دو جهان مورد توجه و پرستش قرار دارد و این دنیایی را که به عنوان دوزخ برشمرده می‌شود را قانونمند می‌کند. در شیطان پرستی، غیر از استفاده از شیطان به عنوان قدرت تاریکی و قدرت مطلق از نیروها و اجنه و روح های پلید و شیطانی نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌شود؛ و در نهایت معنای شیطان پرستی؛ پرستش قدرت پلیدی است. به طور کلی دو تعریف برای گروه‌های شیطان پرستی در نظر افراد وجود دارد؛

تعریف اول: هر گروهی که شیطان را (مشابه شیطان تعریف شده در دین مسیحیت که عاری از مفاهیم غیرطبیعی مربوط به پلیدی و زشتی است یا یک شیطان انتزاعی) به عنوان خدا قبول داشته باشد و آن را عبادت کند، که معمولاً از آن به عنوان الهه سیاه نیز یاد می‌کنند و آن را منتسب به طبیعت "حقیقی" انسان می‌نامند. تعریف دوم: گروه‌هایی که از دین مسیحیت تبعیت نکرده و یا عیسی را با خصوصیتی که در دین مسیح تعریف شده است قبول ندارند. این تعریف معمولاً توسط بنیادگرایان مسیحی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر مبنای این تعریف بسیاری از گروه‌ها را شیطان پرست می‌نامند.

ضرورت انتخاب موضوع تحقیق

روزگار عجیبی است؛ هر گوشه، در هر خیابان یا بین دوستان را که نگاه می‌کنی درباره این کلمه می‌شنوی؛ مخصوصاً در بین کسانی که ادعای متال‌بازی و گوش دادن به موسیقی متال به خصوص سبک بلک‌متال را یدک می‌کشند. چیزی که الان در جامعه مشاهده می‌شود باب شدن شیطان پرستی و انداختن پنتاگرام در گردن است. بلک‌متال Darkthrone، مرلین مانسن، نیروانا، آنتون لاولی، کلیسای شیطان، satanic bible، آدم خواری، skull-n-bone احتمالاً حداقل یکی از این کلمات تاکنون شنیده‌اید، آدم‌های زیادی را هم دیده‌اید که خودشان را طرفدار این نامها و گروه‌ها می‌دانند! موسیقی‌های آنها را گوش می‌دهند، گاه‌گاه لباس‌های عجیب غریب می‌پوشند، علامتهای خاصی بین خودشان دارند و به قول خودشان "تربیب خفن میزنن!" از اینها که بگذریم حتماً زیاد هم شنیده‌اید که در فلان کشور یک عده شیطان پرست یک آدم را تیکه تیکه کردند یا خوردند یا فلان جنایت را انجام دادند. لذا بر آن شدیم تا در مورد شیطان‌پرستی و شیطان‌پرستان تحقیقی اجمالی به عمل آوریم.

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق شناساندن انواع شیطان پرستی و گروه‌ها، سنبل‌ها، اعتقادات و اعمال شیطان‌پرستان می‌باشد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی- تاریخی استفاده شده است. جهت گردآوری مطالب در این تحقیق از کتاب، مقالات و اینترنت استفاده شده است.

شرح واژه ها و اصطلاحات

* مسیحیان جودو : عرفان مسیحیت یهودی، کابالا(فرقه ای با تلفیق ادیان یهودیت و مسیحیت البته با تحریفات فراوان).

* داسنی : پیروان فرقه باستانی ایزدی که بعدها به یزیدیان معروف شدند.

* ملک طاووس : شیطان در فرقه یزیدیه با این نام یاد می‌شود.

* پنتاگرام : ستاره پنج پر که از مهمترین و قدرتمندترین و ماندگارترین سمبل‌ها در تاریخ بشر است.

* زقوم : درختی در جهنم با میوه ای بسیار تلخ که جهنمیان از آن می‌خورند.

فصل دو) تاریخچه شیطان پرستی

شاید عده ای شیطان پرستی را آئینی مدرن و نهایتاً مربوط به قرن ۱۶ - ۱۵ میلادی بدانند اما واقعیت چیز دیگریست. شاید بتوان تاریخچه شیطان پرستی را به قرون اولیه پیدایش آدمی نسبت داد. البته شواهد به دست آمده این حرف را تصدیق می‌کند که شیطان پرستی در نواحی امریکای لاتین، امریکای جنوبی و افریقای مرکزی به قرن ها قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و قبایلی که آثاری از آنها باقی مانده است این احادیث را تصدیق می‌کنند. در اکتشافات به دست آمده در امریکای جنوبی یکی از قبایل این قاره که اعتقاد بسیاری به خوب و بد داشتند شیطان را پرستش می‌کردند و حتی قربانی‌هایی را از انسان به شیطان هدیه می‌کردند که مکانهای انجام مراسم قربانی هنوز وجود دارد و اجساد مومیایی به دست آمده و نوع کشته شدن ها نشانگر قربانی شدن این انسانها (که در آنها بیشتر زنان به چشم می‌خورند) است. در افریقای مرکزی و در دشتها و کویرهای سوزان این قاره نیز در قبایلی که معروفترین آن قبیله "اوکاچا" می‌باشد، شیطان به عنوان قدرت مطلق زمین و آسمان و پدید آورنده آن و خدای خشم و نفرت پرستش می‌شد و حتی قربانی‌هایی نیز در مواقع خاص به آن اهداء می‌شد. ذکر این نکته ضروری است که زمان قربانی کردن

انسانها در برابر شیطان لحظه های خاصی بوده است.

تاریخچه شیطان پرستی به سالهای بسیار دور بر می‌گردد که بعدها این آئین و سنت به صورتهای دیگر نمود پیدا کرد که چیزهایی از گذشته چه با تحریف و چه بدون تحریف دست به دست در حال عبور همراه با زمان است. البته شیطان پرستی در زمان پیدایش زبان و خط و زمان مادها، سومریان، بابلیان و ... نیز ادامه داشت تا در قرون ۱۴-۱۵ میلادی شیطان پرستی نوین به وجود آمد.

مبدا شیطان پرستی

مبدا شیطان پرستی قدیمی همانطور که گفته شد به قرون اولیه آدمی بر می‌گردد. در زمانهای قدیم انسانها در برابر هر چیزی که قدرت مقابله با آن را نداشتند و از درک آن عاجز بودند، تسلیم می‌شدند و سجده می‌کردند. شیطان پرستی قدیمی بر اساس سنتهای خدایپرستی و شیطان پرستی واقع نشده است و نمی‌تواند اینگونه باشد لذا آنها برای اینکه در مقابل قدرتی بزرگ سجده کنند و مسلما این قدرت در شب از عظمت مخصوصی برخوردار بوده است به ستایش و پرستش موجودی فوق طبیعی و دهشتناک که قدرت فوق العاده ای دارد می‌پرداختند که مبدا شیطان پرستی قدیمی را به وجود آورد.

اما مبدا شیطان پرستی جدید؛ آیا واقعا در ابتدا شیطان پرستی وجود داشته است یا در ابتدا جادوگری وجود داشته است، معلوم نیست؛ اما عنوانی که مسلما قدرت بیشتری دارد این است که جادوگری ابتدا وجود داشته و سپس شیطان پرستی نوین از آن شکل گرفته است. شیطان پرستی جدید را پاره ای از انگلیسیان که گفته می‌شود از نجیب زادگان بوده اند به راه انداخته اند برای اینکه از قدرت شیطان و قدرت تاریکی بهره ببرند و پس از آن مراسم شیطان پرستی نوین برگزار می‌شود. در حقیقت شیطان پرستی نوین در انگلستان و در حدود قرون ۱۵-۱۶ میلادی به وجود آمد. البته تغییرات بسیاری نسبت به شیطان پرستی قدیمی و قرون وسطایی داشت؛ اما به هر حال استفاده از قدرت شیطان همچنان باقی مانده است و این چیز است که نمی‌توان خط بطلانی بر روی آن کشید.

فصل سه) سیر تاریخی شیطان پرستی:

شیطان پرستی قدیمی

شیطان پرستی قدیمی شیطان پرستی ای است که به قرون وسطا برمی‌گردد؛ با اینکه همانطور که در تاریخچه شیطان پرستی ذکر گردید شیطان پرستی به قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد اما اصولا شیطان پرستی قدیمی را مربوط به قرون وسطا می‌دانند. موضوعی که امروزه درباره شیطان پرستی قدیمی وجود دارد و در برخی کتابها دیده می‌شود به این مطلب برمی‌گردد که اصولا شیطان را کلیسا به وجود آورد تا تمام بدیها و پلیدیها را به آن نسبت دهد تا به نوعی هم خدمتی به بشریت کرده باشد و گناهان را از خود دور کند و جادوگران را نیز که در قرون وسطا از قدرت زیادی برخوردار بودند با عنوان جادوگران سیاه به عنوان پیروان شیطان معرفی کند تا هم گناهان را دفع کند و هم قدرت جادوگران را کم کند. البته این یک نظریه ای است که آنچنان که باید و شاید نمی‌تواند قدرت داشته باشد و انسان را حداقل از لحاظ فکری ارضا کند. زیرا قبل از مسیحیت و در زمانهای حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حتی بسیار قبل از آنها شیطان پرستی وجود داشته و چیزی به عنوان شیطان مسلما وجود دارد زیرا اگر وجود نداشت هیچگاه آدم و حوا به زمین سقوط نمی‌کردند! پس نظریه فوق را می‌توان نظریه ای مغرضانه نسبت به مسیحیت و کلیسا خواند. شیطان پرستی قدیمی از لحاظ معنی و از لحاظ اعمال انجام شده مسلما با شیطان پرستی کنونی بسیار تفاوت دارد. شاید بتوان گفت چیزی که به عنوان شیطان پرستی امروزه در جوامع گوناگون قرار دارد شیطان پرستی قدیمی یا قرون وسطایی است که این شیطان پرستی به طور کلی محکوم شده است و شیطان پرستی جدید با آن به مبارزه برخاسته است اما خوب هنوز عده زیادی آن را قبول دارند و به آن احترام می‌گذارند و قوانین آن را اجرا می‌کنند. شیطان پرستی قدیمی استفاده از کمک شیطان در کارهای زبان آور و کمک به برخی پادشاهان در جنگها بوده است و حتی همسر پادشاه فرانسه در قرن ۱۳ میلادی برای نجات شوهر خود از مرگ مراسم شیطان پرستی قرون وسطایی را انجام داد. شیطان پرستی قدیمی اعتقاد دارد که شیطان وجود دارد و قدرت او عظیم ترین قدرت بر روی جهان است. اصل شهوترانی و ارضای جنسی اصل لاینفک این مراسم است. شیطان پرستی قدیمی مخالف با مسیحیت و کلیسا است و دقیقا در مراسم خود اعمال ضد مسیحیت را انجام می‌دهد. آنها به مسیحیت و کلیسا اعتقادی ندارند و آنها را عامل بدیختی مردم می‌دانند. آنها می‌گویند مسیح پیامبری بود که باید زمین را آباد می‌کرد و مردم را به راه راست می‌برد اما تنها کاری که انجیل انجام داده دروغ‌گویی و رواج بدی در جامعه است! آنها قربانی انسان را امری ضروری برای آرامش و احترام به شیطان می‌دانند و در این میان دختر بچه ها بهترین قربانی برای شیطان هستند. ریختن خون در این مراسم نشانه تقدس این مراسم است (همانند نوشیدن شراب در عشای ربانی مسیحیت که به عنوان نشانه تقدس و خون مسیح است!). انجام اعمال شهوترانی در این مراسم اعمالی است که باید حتما بدان پرداخته شود چون در شیطان پرستی قدیمی ارضای حس جنسی یکی از مهمترین عوامل است و البته با توجه به اینکه شیطان پرستان قدیمی بدترین اعمال را برای مبارزه با خدا، مسیح و شیطان انجام می‌دادند لذا امور جنسی نیز به بدترین و فجیع ترین نوع خود انجام می‌گرفت. آنها به جهنم اعتقادی نداشتند و می‌گفتند جهنم همین دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم لذا بدترین گناهان را در مراسم خود انجام می‌دادند. شیطان پرستان قدیمی شیطان را موجودی با هویت خارجی می‌دانند.

شیطان پرستی جدید

شیطان پرستی جدید در انگلستان به وجود آمد و البته زیاد نیز تعجب برانگیز نیست زیرا انگلیس یکی از کشورهای است که جادوگرانی بسیاری را داشته است و البته وجود اهالی باستانی آسیای میانی و خاورمیانه و همچنین اهالی یونان باستان در انگلیس ثابت شده است زیرا از اکتشافات به دست آمده در برخی محل های برگزاری مراسم شیطان پرستی و جادوگری در انگلیس نظیر محل استون هنج آثاری از تمدن ایران و یونان پیدا شده است و همچنین در کتب شیطان پرستی و جادوگری کلمات عبری، یونانی و فارسی (البته هیچکدام نه به صورت کنونی) وجود دارد. شیطان پرستی جدید بر خلاف شیطان پرستی قدیمی اعتقادی به وجود شیطان خارجی ندارد بلکه شیطان پرستی جدید شیطان را در طبیعت و در وجود هر انسانی می‌داند و این باطن هر کسی است که شیطان در آن وجود دارد و مراسم شیطان پرستی جدید مراسمی است برای دعوت از شیطان باطنی و حس اهریمنی درونی است که با اعمال جنسی آرام و ارضا می‌شود. آنها جسم پرست هستند و اعتقاد دارند هر آنچه که وجود دارد مدیون آلت تناسلی آدمیست و دیگر اینکه انسان باید کاملترین لذت جسمانی و جنسی را در این دنیا ببرد. آنها معتقدند به زندگی پس از مرگ و آن اینکه بعد از مرگ روح کسانی که در دنیا لذت جسمانی لازم را نبرده اند به این دنیا برمی‌گردد و لذت جنسی خود را کامل می‌کند. در مراسم شیطان پرستی جدید مخلوطی از اسپرم به همراه ادرار به عنوان آب مقدس بر روی حاضرین پاشیده می‌شود (همانند آب مقدس در مراسم عشای ربانی مسیحیت) و البته در شیطان پرستی جدید اعتقادی به قربانی کردن انسان و حتی حیوان وجود ندارد.

انواع شیطان پرستی از نظر ایدئولوژی

شیطان پرستی جدید آیینی است دارای شباهت هایی به اومانیسم که انسان را برترین موجود می‌داند و او را تنها در برابر خود مسئول می‌داند:

Anthony lavey: "There is no heaven of glory bright, and no hell where sinners roast. Here and now is our day of torment! Here and now is our day of joy!"

"Here and now is our opportunity! Choose ye this day, this hour, for no redeemer liveth

آنتون لاوی: " خدای باعظمت و با شکوهی وجود ندارد، و جهنمی که در آن گناهکاران کباب میشوند هم نیست . اینجا و حالا روز شکنجه و سختی ماست ! حالا و اینجا روز خوشی ماست ! اینجا و حالا فرصت ماست ! این روز، این ساعت را انتخاب کن که زندگی رهایی بخشی نیست !"

شیطان پرستی جدید به خدایی اعتقاد ندارد و شیطان را تنها نوعی کهن نماد (archetype) می داند و انسانها را تنها در برابر خود مسئول می داند و اعتقاد دارد که انسان به تنهایی می تواند راه درست و غلط را تشخیص دهد به همین دلیل هم این اعتقاد بیشتر به عنوان یک اعتقاد فلسفی شناخته می شود . شیطان در این اعتقاد نماد نیروی تاریکی طبیعت ، طبیعت شهوانی ، مرگ ، بهترین نشانه قدرت و ضد مذهب بودن است. این اعتقاد دارای شاخه های متعددی است اما می توان گفت جز یکی دو نوع آن همگی دارای اصول زیر می باشند:

- Atheism : خدایی در شیطان پرستی وجود ندارد.

- Not dualistic : روح و جسم غیر قابل دیدن هستند و هیچ جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد.

- Autodeists : خود پرستی ، خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر انسانی خود یک خداست.

- Materialistic : اعتقاد به اصالت ماده.

- وابسته به راه چپ بودن در برابر راه راست که راه خدایی است .

- ضد مذهب بودن خصوصا مذاهبی که اعتقاد به زندگی پس از مرگ دارند.

- عدم پرستش شیطان زیرا شیطان جسم نیست و وجود خارجی ندارد.

- اعتقاد به استفاده از لذت در حد اعلاي آن زیرا تمام خوشی دنیایی است و این خوشی ها خصوصا لذات جنسی پتانسیل لازم را برای کارهای روزانه آماده می کنند و به هر شکلی انجام آنها لازم و ضروری است .

شیطان پرستی به چهار دسته شیطان پرستی فلسفی، شیطان پرستی لاوی، شیطان پرستی دینی و شیطان پرستی گوتیک(شرپرستی) تقسیم می شود. شیطان پرستی فلسفی

به طور غیر رسمی و گسترده‌ای این شاخه از شیطان پرستی را منتسب به آنتوان سزاندر لاوی (Anton Szandor LaVey) می‌دانند؛ همان بوجود آورنده انجیل شیطانی(satanic bible). او کسی بود که کلیسای شیطان را تأسیس کرد (اولین سازمانی که از لغت شیطان پرستی فلسفی استفاده نمود) در نظر شیطان پرستان فلسفی، محور و مرکزیت عالم هستی، خود انسان است، و بزرگترین آرزو و شرط رستگاری این نوع از شیطان پرستان برتری و ترفیع ایشان نسبت به دیگران است. شیطان پرستان فلسفی عموماً خدایی برای پرستش قائل نمی‌دانند و به زندگی غیر مادی بعد از مرگ نیز عقیده‌ای ندارند. به هر حال زندگی این گروه از شیطان پرستان عاری از روحیه مذهبی و معنویت نیز نیست.

در نظر شیطان پرستان فلسفی، هر شخص خدای خودش است. آنها با تکیه بر عقاید انسانی وابسته به دنیا، مطالب مربوط به فلسفه عقلانی را عیس می‌شمارند و به آنها به دید ترس از مسائل ماوراء الطبیعی می‌نگرند و تنها به وسیله آن، یک زندگی عقیم و تنها بر مبنای "جهان واقعی" را تشکیل می‌دهند. به طور شفافی، آموزه‌های شیطان پرستان فلسفی قدمتی بیشتر از کلیسای لاوی دارد. اگر چه این تصویری از شیطان است، ولی با موقعیت واقعی او تقابل دارد چرا که این تعالیم از آموزه‌های یهودی-مسیحی نشأت گرفته است و شیطان را بدلیل خصوصیاتش پلید نگاشته است.

شیطان پرستی لاوی

این نوع از شیطان پرستی بر مبنای فلسفه آنتوان لاوی که در کتاب "انجیل شیطان" و دیگر آثارش آمده است تشکیل شده است. لاوی موسس کلیسای شیطان (1966) بود و تحت تأثیر نوشته‌های فردریک نیچه، آلیستر کرایلی، این رند، مارک د سید، ویندهام لوئیس، چارلز داروین، آمبروس بیرس، مارک تواین و بسیاری دیگر بوده است. "شیطان" در نظر لاوی موجودی مثبت بوده در حالی که تعالیم خداجویانه کلیساها را مورد تمسخر قرار داده و به مسائل جهان مادی نیز اعتنایی نداشت. یک شیطان پرست لاوی، خود را خدای خود می‌داند. آیین مذهبی این گروه از شیطان پرستان بیشتر شبیه به فلسفه میجیک کراولی با دیدی جلو برنده به سمت شیطان پرستی است. یک شیطان پرست لاوی مدعی آن است که کسانی که خودشان را با شیطان پرستی هم ردیف می‌دانند باید به طرز فکر گروهی خواص وفادار نباشند و آنها را از لحاظ اخلاقی قبول نداشته باشند. و در ازای آن گرایش‌های انفرادی داشته باشند و من تبع باید به طور دائمی یک سر و گردن بالاتر از کسانی باشند که خود را از لحاظ اخلاقی، قوی می‌دانند و در بشر دوستی خود، بدون تامل عمل کنند.

فلسفه شیطانی

شیطان در ۹ جمله شیطانی منسب به لاوی خلاصه می‌شود:

1- شیطان می‌گوید: دست و دلبازی کردن بجای خساست.

2- شیطان می‌گوید: زندگی حیاتی بجای نقشه خیالی و موهومی روحانی.

3- شیطان می‌گوید: دانش معصوم بجای فریب دادن ریاکارانه خود.

4- شیطان می‌گوید: محبت کردن به کسانی که لیاقت آن را دارند بجای عشق ورزیدن به نمک نشناسان.

5- شیطان می‌گوید: انتقام و خونخواهی کردن بجای برگرداندن صورت (اشاره به تعالیم مسیحیت که می‌گوید: هرگاه برادری به تو سیلی زد، آن طرف صورتت را جلو بیاور تا ضربه‌ای به طرف دیگر بزند).

6- شیطان می‌گوید: مسئولیت پذیری در مقابل مسئولیت پذیران بجای نگران بودن خون آشام‌های غیر مادی بودن.

7- شیطان می‌گوید: انسان مانند دیگر حیوانات است، گاهی بهتر ولی اغلب بدتر از آنهاست که روی چهار پا راه می‌روند، بدلیل آنکه انسان دارای خدای روحانی و پیشرفت‌های روشن‌فکرانه، او را پست‌ترین حیوانات ساخته است.

8- شیطان تمام آن چیزهایی که گناه شناخته می‌شوند را ارائه می‌دهد، چون که تمام آنها به یک لذت و خوشنودی فیزیکی، روانی یا احساسی منجر می‌شوند.

9- شیطان بهترین دوست کلیساست چرا که در میان تمام این سالها وجود شیطان دلیل ماندگاری کلیساها است.

و در مقایسه با این جملات، لاوی ۹ گناه شیطانی را نیز نام برده است:

حماقت، ادعا و تظاهر، نفس‌گرای، انتظار بازپس گرفتن از دیگران،(آنچه به آنها داده اید)، خود را فریب دادن، پیروی از رسوم و عقاید دیگران، روشن بینی نا کافی،

فراموش کردن ارتدکسی گذشته (به طور مثال، قبول کردن چیزی قدیمی در بسته بندی جدید، به عنوان نو)، غرور و افتخار بی حاصل (مانند غروری که هدف شخصی را

از درون می‌پوساند) و کمبود محسنات!

لاوی سپس ۱۱ قانون شیطانی را نیز وضع کرد، که در حالی که نظام نامه‌ای اخلاقی نیست، ولی راهنمایی‌های کلی برای زندگی شیطان پرستی را ارائه کرده است:

1- هرگز نظرات را قبل از آنکه از تو بپرسند بازگو نکن.

2- هرگز مشکلات را قبل از آنکه مطمئن شوی دیگران می‌خواهند آن را بشنوند بازگو نکن.

3- وقتی مهمان کسی هستی، به او احترام بگذار و در غیر این صورت هرگز آنجا نرو.

4- اگر مهمان مزاحم تو است، با او بدون شفقت و با بیرحمی رفتار کن.

5- هرگز قبل از آنکه علامتی از طرف مقابلت ندیده‌ای به او پیشنهاد نزدیکی جنسی نده.

6- هرگز چیزی را که متعلق به تو نیست برندار، مگر آنکه داشتن آن برای کس دیگری سخت است و از تو می‌خواهد آن را بگیری.

7- اگر از جادو به طور موفقیت آمیزی برای کسب خواسته هایت استفاده کرده‌ای قدرت آن را اعتراف کن. اگر پس از بدست آوردن خواسته هایت قدرت جادو را نفی کنی، تمام آنچه بدست آوردی را از دست خواهی داد.

8- هرگز از چیزی که نمی‌خواهی در معرض آن باشی شکایت نکن.

9- کودکان را آزار نده.

10- حیوانات (غیر انسان) را آزار نده مگر آنکه مورد حمله قرار گرفته‌ای یا برای شکارشان.

11- وقتی در سرزمینی آزاد قدم بر می‌داری، کسی را آزار نده، اگر کسی تو را مورد آزار قرار داد، از او بخواه که ادامه ندهد. اگر ادامه داد، نابودش کن.

شیطان پرستی دینی

گرایش‌های شیطان پرستی دینی اغلب مشابه گرایش‌های شیطان پرستی فلسفی است، گرچه معمولاً پیش‌نیاز برای خود فائل می‌شوند و آن پیش‌نیاز اینست که شیطان پرست باید یک قانون ماوراء الطبیعی را که در آن یک یا چند خدا تعریف شده است که همه شیطانی هستند یا به وسیله شیطان شناخته می‌شوند قبول داشته باشد.

شیطانی که در گروه اخیر تعریف شده است می‌تواند تنها در ذهن یک شیطان پرست تعریف شود یا از یک دین (معمولاً قبل از مسیح) اقتباس شوند.

بسته به اینکه کدام نوع شیطان پرستی مد نظر باشد، خدا یا خدایان می‌توانند از انواع مختلفی از معبودها باشند، بعضی از آنها از ادیان بسیار قدیمی نشئت گرفته شده اند، انواع معمول شیطان پرستی خدایانشان را از ادیان قدیمی مصر باستان و بسیاری از الهه‌های باستانی بین‌النهرینی و بعضاً از الهه‌های رومی و یونانی (به عنوان مثال مارس-خدای جنگ) اقتباس کرده اند.

بقیه شیطان پرستان ادعای پرستش خدای اصلی را دارند ولی بیشتر شیطان پرستان می‌گویند خدای معبود آنها در واقع قدمت بسیار قدیمی دارد، شاید از دوران ماقبل تاریخ و شاید اولین خدایانی باشد که توسط انسان مورد پرستش قرار گرفته است.

مابقی گروه‌ها تعبیری سخت گیرانه تر از اینها را می‌پرستند. آنهایی که سیمای فرشته سقوط کرده از انجیل مسیحی را می‌پرستند، در حالی که بسیاری آن را به

عنوان شر، طبق تعریف کلیسای مسیحی، می‌پندارند. این گروه در مقابل آن را به عنوان محق و کسی که در مقابل خدا شورش کرده است قبول دارند. تمام این ادیان با هم و با شیطان پرستان فلسفی مشترک هستند چرا که خود شخص را در اولویت اول قرار داده اند. این نظریه نیز معمولاً توسط کسانی که خدا را به دید شیطانی

می‌نگرند (کسانی که دیده شده است اشخاص را به آزادی اندیشه تشویق می‌کنند و تلاش می‌کنند خود را به وسیله فلسفه‌هایی چون میچیک و فلسفه‌های مشابه "تمایل به قدرت" نیچه بالا بکشند) حمایت شده است. یک پند رایج شیطانی به این معلول اینست که: "هر خدای ارزشمندی بهتر است به جای یک برده پست و بچاک

افتاده، یک شریک در قدرت خود داشته باشد."

یک مثال از این مطلب، شیطان ابراهیمی است، مانند ابلیسی که در کتاب تورات آمده است و بشریت را به چیدن میوه درخت شناخت خوب از بد تشویق می‌کند: "تو مطمئن نمی‌میری، چرا که خدا در همان روزی که این کار را کنی از آن خبر خواهد داشت، سپس چشمانت باز خواهد شد و شما مانند خدا خواهید شد و خوب را از شر تشخیص خواهید داد". استفاده از این مفهوم، شیطان پرستان خود را بهتر از هر خدای دیگری، دارای قدرت تشخیص خوب از بد می‌پندارند. از آنجا که این گروه از شیطان

پرستان خود را بسیار قدیمی و قدیمی تر از بقیه می‌دانند، نام "شیطان پرستان سنتی" را بر خود گذاشته‌اند و به شیطان پرستان فلسفی، "شیطان پرستان معاصر" می‌گویند.

شیطان پرستی گوتیک

این فرقه از شیطان پرستان، به دوران تقطیب عقاید مذهبی از طرف کلیسا مربوط می‌شوند. این نوع شیطان پرستان معمولاً متهم هستند به اعمالی از قبیل "خوردن

نوزادان"، "بزرکشی"، "قربانی کردن دختران باکره" و "نفرت از مسیحیان" هستند. این طرز فکر در کتاب "مالیوس مالیفیکاروم" دسته بندی شده است. (کتابی که در دوران تقطیب عقاید توسط کلیسا (1490م) تالیف شد و در واقع هرگز به طور رسمی مورد استفاده قرار نگرفت) کتاب حاوی مطالب خرافی از جن گیری و جادوگری و مطالبی از این دست است. ترجمه لغوی نام کتاب پتک جادوگران است..

شیطان پرستی نزدیکی زیادی به جادوگری دارد و دنیای آن پر از افسانه‌های گوناگون، شیاطین متعدد و افراد مختلف خصوصاً جادوگران در ارتباط با آنهاست. در دنیای امروز هم کشورهای مختلفی دارای کلیسای شیطان هستند مانند کشورهای آمریکا، انگلیس و آلمان و همچنین چین و بر خلاف ادعای شیطان پرستان جدید که بر

اساس متون انجیل شیطانی بر عدم کودک آزاری و آزار حیوانات پافشاری می‌کنند اما وحشتناک ترین اعمال توسط آنها تنها برای مقابله با دستورات الهی انجام می‌شود.

انجیل و کلیسای شیطانی

انجیل شیطانی کتابی است که شیطان پرستان از آن برای عبادت و دعاها و همچنین استفاده در مراسم خود استفاده می‌کنند. این کتاب شامل کلمات عبری و یونانی و انگلیسی است که برخی از این کلمات هنوز معنی دقیق آن کشف نشده است اما چیزی که می‌توان فهمید اسامی شیطان و دعوت از او برای قدرت دادن به شیطان پرستان است. در این کتاب بسیاری از دعاها آن بر خلاف دعاها مسیحیت و انجیل است و همچنین بسیاری از شعائر آن برای قدر نهادن به عظمت و قدرت شیطان به عنوان قدرت مطلق است.

کلیسای شیطان پرستی در قرون وسطا به عنوان مکانی برای انجام مراسم شیطان پرستی استفاده میشد و جایی بود که در آن تنها و تنها محل قرارهای شیطان پرستان قدیمی و انجام مراسم خود در آن بود. اما امروزه کلیسای شیطان پرستی محلی است برای عبادت شیطان پرستان که اکثراً به صورت زیر زمینی به کار خود ادامه می‌دهند و در شیطان پرستی جدید این مکان به نام کلیسای شیطان برای انجام مراسم ارضای جنسی مورد استفاده قرار می‌گرفت که اکنون محل نیست برای انجام اکثر مراسم شیطان پرستی جدید.

به قسمتهای از انجیل شیطان پرستان که از کتاب The Witches گردآوری شده اشاره می‌شود. البته مانند همه کتب در ادیان مختلف، این کتاب نیز به ستایش شیطان و قدرت طلبی از او می‌پردازد. همانطور که گفته شد در این کتاب کلمات و جملات عبری نیز وجود دارد. این دعا ها اکثرا در مراسم های شیطان پرستی مورد استفاده قرار می‌گیرد:

(به نام خدای بزرگ ما؛ شیطان؛ به شما فرمان می‌دهد که از دنیای سیاه بیرون آید. به نام چهار شهریار سیاه جهنم؛ پیش آید. شیطان؛ جام باده لذت را بردار. این جام بر

از اکسیر زندگی است؛ و آنرا با نیروی جادوی سیاه انباشته کن . این نیرو در سراسر عالم کائنات وجود دارد و حامی آن است.)

(ای دوست و همدم شب؛ تو از صدای سگ ها و ریختن خون شاد می‌شوی؛ تو در میان سایه های قیور می‌گردی؛ تو تشنه خون هستی و بشر را تهدید می‌کنی گور گومورو؛ ماه هزار چهره؛ به قربانیان ما با نظر مساعد بنگر. دروازه های جهنم را بگشا و بیرون بیا ...) همانطور که مشخص است انجیل شیطان پرستی کتاب خاصی نیست و همانند همه کتب ادیان به ستایش و تسبیح و درخواست کمک از پروردگار خود می‌کند. لذا نمی‌توان گفت این کتاب نوشته های پیچیده ای است که هیچکس توان فهم آن را ندارد. البته این درست است که جملات عبری و یونانی در این کیش وجود دارد اما مسلما آن چنان مورد توجه نیست زیرا اکنون انجیل مسیحیت نیز در خود حاوی کلمات عبری است که دکتربین کلیسای رم آن را بسیار رواج می‌دهند.

فصل چهار (پنتاگرام:

ستاره پنج پر یا پنتاگرام یکی از مهمترین، قدرتمندترین و ماندگارترین سمبل ها در تاریخ بشر است. این علامت در فرهنگ و تمدن باستان مابین های امریکای لاتین، هند، چین، مصر و یونان از مهمترین و پرمعناترین علامتها بوده است. ابتدایی ترین شکل پنتاگرام بر روی دیوارهای غارهای عصر حجر کنده کاری شده بوده و در نقاشی های مردم بابل به عنوان الگوی ترسیم سیاره ونوس به چشم می خورد. رازهای مابین سیر استفاده از این علامت، طراحی های قدیمی از مدار حرکت سیاره ونوس و رب النوع معروف بیشتر وجود دارد که گاهی باعث این تفکر غلط می‌شود که پنتاگرام سمبل ایشتر است. در کتب آسمانی مخصوصا کتابهای یهودیان بسیار زیاد به پنتاگرامها اشاره شده است.

پنتاگرام در جهان کهن

پنتاگرام های اولیه اشکالی زخم با شکل هندسی ناهمگون به صورت کنده کاری روی سنگهای عصر حجر داشتند. مردم آن زمان اعتقاد داشتند که این علامت معنایی روحانی و غیرمادی دارد. اعتقاد آنان بر این بود که رازی در شکل قرار گرفتن ستاره ها وجود دارد که بر انسان پوشیده است، آنها پنتاگرام را از روی شکل قرار گیری پنج سیاره برداشت کرده بودند که وقتی با خطی فرضی به هم اتصال پیدا می کردند به صورت مبهم شکل پنتاگرام را به خود می گرفت. نسل های بعدی بشر معانی مختلفی را از این شکل برداشت کردند معانی بسیار زیاد و اغلب مقدس و خداپرستانه.

پنتاگرام ها به سومری ها برای نوشتن و استفاده از متون کمکهای زیادی کردند. این علامت نشان دهنده پنج سیاره مهم بود که با چشم غیر مسلح قابل رویت بودند. بعدها پنتاگرام به عنوان سمبل رب النوع زیبایی ونوس نیز شهرت یافت.

بر طبق نظریات ریاضی دان و فیلسوف یونانی فیثاغورث عدد پنج نماد انسان بود چون اعضای بدن انسان به پنج طرف تمایل داشتند، (اگر دستها و پاها را از هم باز کنید به شکل یک ستاره پنج پر در می آید)، او این تفکر را برای اولین بار در یونان پایه گذاری کرد که پنتاگرام نماد روح انسانی است و البته چون در آن زمان آفرینش انسان تابع عناصر پنجگانه بود (آتش ، آب ، خاک ، هوا ، روح) پنج گوشه پنتاگرام اینگونه توصیف شد. طبق این تفکر انسان از این پنج عنصر به وجود می آمد. پیروان مکتب فیثاغورث طلسم پنج پر را به صورت آیینی مقدس حفظ کردند. آنها نام این آئین را HGIEIA نامیدند.

و معتقدند ترکیبی از ابتدای نام یونانی عناصر آب، خاک، روح، آتش و هواست.

خصوصیت منحصر به فردی که این سمبل را تا به امروز ماندگار کرده وابستگی شدید و همه جانبه آن به مسائل مقدس و خدایی آن است که در مقاطع زمانی مختلف و بین اقشار و نسلهای گوناگون کاربرد داشته است، چه این خدا خدای یگانه بوده یا خدایان متعدد. سپس با ظهور مسیح پنتاگرام جامه کریستین به تن کرد. می گویند بر تن مسیح با خنجر ستاره ای زخم زدند که پنج گوشه داشت (شاید به همین خاطر می باشد که آنتی کریست های امروزی از پنتاگرام زیاد استفاده می کنند، ممکن است منظورشان این باشد که ما بر پیکر مسیح این زخم را زدیم.)

مورخان زیادی سعی در پیدا کردن رابطه میان زخم زندگان این علامت بر پیکر مسیح و پیروان مکتب فیثاغورث داشتند که هنوز شاهدی بر این مدعا پیدا نکرده اند.

در دوره رنسانس اعتقادات عجیب و خرافات گونه نسبت به طلسم ستاره پنج پر به بیشترین حد خود رسید و باورهای مردم تا جایی پیش رفت که پنتاگرام را علامتی الهی از سوی خدا پنداشتند. از سویی نیز این علامت را مرتبط با علم کیمیاگری و علم جادو قلمداد کردند.

پنتاگرام در جادو

در آیین پرستش جادوگران یونانی پنتاگرام به عنوان جهان کوچک (بدن انسان) شناخته می شود. این باور باعث بوجود آمدن احساسی در بین جادوگران می شد که توسط آن ارتباطی میان خود، جهان و سمبولیسم ایجاد می کنند.

هدف از این احساس درک عمیق شیطان است که مهارتش در ارتباط برقرار کردن میان جهان فعال (جهان بیرونی) و جهان ساکن (روح انسان) است. یکی از جادوگران مشهور در این زمینه، جیوردانو برونو است که در مورد سوءاستفاده از پنتاگرام در جادوهای سیاه هشدار داده است. (پنتاگرام هنوز هم به عنوان شاخص اصلی رسوم پرستش جادوگران به کار می رود، ضمن اینکه عامل پدید آمدن رسوم وتشریفات دیگری نیز در ادیان مختلف شده است.)

پنج نیروی پاک از فروپاشی روح جلوگیری می کنند و هیچکس را یارای شکست آنها نیست مگر خود روح، عدالت ، رحمت ، معرفت ، ادراک و شکوه متعالی .

پنتاگرام مسیحیان

کابالیستهای مسیحی در دوره رنسانس علاقه وافری به پنتاگرام پیدا کردند. آنها اعتقاد داشتند که پنتاگرام علامتی رازگونه است که در دست نوشته های مسیح

مشاهده شده و پیامی از سوی خداست. آنان می گفتند این سمبلی است که آشکار می کند مسیح نیز پیرو امیال حیوانی (شهوت) خود بوده است. کاری که بسیار رواج یافته بود نوشتن نامه هایی به زبان عبری با مهر پنتاگرام بر ساق پا بود، این نامه ها که در مورد آتش بود، سمبل اعیاد پنجاهه است.

در کتاب مقدس یهودیان چهارنامه وجود دارد که با نام خداوند مهر شده اند

YHVH تلفظ غیر دستوری کلمه JEHOVAH ، (یهوه خدای بنی اسرائیل)، Yahveh

YHSHVH - Yehoshua یا جسوس، (عیسی)، (Jesus)

این رازی متصل به کتب آسمانی است. نتیجه این بیان آنست که نام اعیاد پنجاهه مسیحیان با خدا و مسیح مرتبط می شود. چندین رابطه بین پنتاگرام و مسیحیت

وجود دارد. پیش از به صلیب کشیده شدن مسیح، پنتاگرام یک نشان رجحان یافته برای آرایش کردن و زینت دادن جواهرها و طلسم های مسیحیان اولیه بود. این علامت که به راحتی و در یک حرکت پیوسته قلم کشیده می شد، با پنج زخم مسیح آمیخته شده بود. پنتاگرام همچنین برای یک فرقه نهانی عرفانی مسیحی نمادی از Isis (الهه حاصل خیزی) و Venus (اصلی ترین رب النوع مونث، الهه عشق و زیبایی) بود. فرقه ای که به صورت پنهان در نقاط مختلف در سراسر تاریخ مسیحیت وجود داشت.

<[if !vml]--!> پنتاگرام در ویکا و عقاید نوپگان

در حال حاضر رایج ترین مذاهبی که پیروان آن از پنتاگرام استفاده می کنند گروه های ویکان ها، نوپگان ها و شیطان پرستان هستند. در اغلب عقاید و رسوم ویکان ها و نوپگان ها معنای نمادی پنتاگرام از مراسم جادوی تشریفات قرون وسطی و چهار عنصری که به وسیله روح حکومت می شدند نتیجه می شود. در برخی از این رسوم همچنین پنتاگرام می تواند نمایانگر یگانگی نوع بشر و قلمرو روح باشد. ستاره پنج پر پایین رأس، نمادی از خدای شاخدار ویکا است. در عقیده کابالیست های یهودی که بسیاری از اندیشه ها و ایده های فیثاغورثی را فرض گرفته اند، پنتاگرام نشان دهنده پنج حقیقت برتر در زندگی است: عدالت، رحمت، دانش، ادراک، شکوه ماورایی و مافوق جهان مادی.

تفاوت پنتاگرام در قله رو به بالا یا قله رو به پایین

پنتاگرام هایی که نوک آنها رو به پایین است در اولین ظهور خود لزوماً نشان شیطان پرستی نبودند. طبق تاریخ پنتاگرامهایی که فرقیشان در نقطه بالا یا پایینشان است ابتدا توسط دو فرهنگ مختلف پایه گذاری شدند، دو فرهنگی که بنا به مقتضیات آیینی سعی در جدائی از همدیگر را داشتند. امروزه هرکجا با پنتاگرام رو به پایین روبرو شویم ناخودآگاه به یاد شیطان پرستی می افتیم. شاید دلیل این موضوع آنست که پنتاگرام رو به پایین بسیار شبیه علامت ماسونیک ها و فراماسونها می باشد. واقعیت اینست که چون سر آن رو به پایین است یادآور امور وارونه و خلاف جهت است.

ویکان ها گاهی ادعا می کنند هر پنتاگرام رو به پایینی علامت شیطان پرستان است که این تفکر ناپیچاست. با این حال این سمبل در طول زمان معرف خدای شاخدار ویکان ها شد و امروزه نیز در درجه دوم به آن باغبان ویکا می گویند.

پنتاگرام در شیطان پرستی

پنتاگرام شیطانی نمادی پیچیده است که از ترکیب ستاره پنج پر با سر بز به وجود آمده است و این نوع استفاده درعین این که جدیدترین مورد استفاده از پنتاگرام است به همان اندازه شناخته شده ترین و جدال آمیزترین نوع استفاده از پنتاگرام نیز به شمار می آید. پنتاگرام شیطانی همیشه وارونه است با یک رأس رو به پایین و دو رأس رو به بالا. استفاده از پنتاگرام به عنوان یک نشان و علامت شیطانی به نیمه دوم قرن بیستم برمی گردد. جایی که شیطان پرستی مدرن توسط Anton Lavey موسس و بنیانگذار کلیسای شیطان پایه گذاری شد. این علامت نشانی از جادوی سیاه است که حاکی از پیروزی ماده و آرزوهای فردی بر عقاید و تعصبات دینی و مذهبی است. البته پنتاگرام متشابه و قابل قیاس با صلیب برعکس نیست. صلیب برعکس نماد جنبش Anti Christ و نشانی از طغیان، سرکشی در برابر فرهنگ مسیحی است. همچنین پنتاگرام نباید با هگراگرام اشتباه شود. هگراگرام، ستاره شش پر است که به صورت دو مثلث درون هم نشان داده می شود و نمونه آن ستاره داوود می باشد. این ستاره با اعتقادات یهودیان پیوند دارد. شیطان پرستی، شکل ظاهری شیطان تشکیل شده است از سر بز، بالا تنه انسان، پای جن و با دم کوتاه. در شیطان پرستی مدرن، شاهد اتخاذ کردن روش های فردی و توجه بیشتر به شخص هستیم. توجه بیشتر به ضمیر و خود بجای توجه به خدا و عالم بالا، تمایلات جنسی آزاد که شیطان پرستی آن را تمجید می کند. علامتی که به رایج ترین صورت با عقاید شیطانی Sabbatic Goat یا بز طلسم ستاره پنج سر Mendes است. استفاده از بز به خرافات قرون وسطی برمی گردد. آنان همواره در توصیف ساحره ها، آنان را همراه با بزها می دانستند. آنان اغلب بز را نماینده شیطان می دانستند. بز در این مفهوم اغلب به عنوان نمادی از سرکوبی جنسی در نظر گرفته می شود. نماد باستانی پنتاگرام در شیطان پرستی مدرن نمادی است از آزادی در برابر مسائل جنسی.

سمبل ها و نمادها

شیطان پرستان دارای سمبل ها و نشانه هایی هستند که حتماً همه ما بعضی از آنها را بروی تیشرت ها، زیورآلات و بدلیجات، کمربند، دستبند، بازوبند، کلاه و ... دیده ایم. بد نیست تا معانی برخی از این علائم را بدانیم:

Inverted Pentagram

(پنج ضلعی وارونه): نشانه ستاره صبح، نامی که به شیطان تعلق دارد. این علامت در مراسم های مخفیانه (کابالا) و جادوگری برای احضار ارواح شیطانی استفاده می شود. این علامت را شیطان پرستان با دو ضلع در بالا و ملحدان با یک ضلع در بالا استفاده می کنند. در هر حال این علامت نشانه شیطان است و مهم نیست که یک نوک ضلع آن بالا باشد یا هر دوی آنها و یا دور آن دایره ای کشیده شده باشد یا خیر در هر حال این علامت شیطان است.

aphomet دیو بافومت: علامت شیطان پرستی. خدای شیطانی و سمبل شیطان. ممکن است این علامت به شکل جواهرات دیده شود.

<[if !vml]--><[endif]-->666<[if !vml]--><[endif]--> : علامت انسان، نشانه جانور (هیولا) - مکاشفات 13:18 «... پس هرکس حکمت دارد عدد وحش را بشمارد، زیرا که 666 عدد انسان است»

Ankh : سمبل باروری و شهوات در انسانها. روح شهوت قدرت این جمع زنان و مردان می باشد.

wastika or Sun Wheel (صلیب شکسته یا چرخ خورشید): یک علامت مذهبی باستانی است که سالها قبل از قدرت گرفتن هیتلر به کار میرفت. این علامت در کتیبه های بودایی و مقبره های سلطنتی و یونانی استفاده شده است. در آیین پرستش خورشید، این علامت به نظر می رسد نشانه مسیر حرکت خورشید در آسمان باشد. All Seeing Eye (چشمی که به همه جا می نگرد): آنها معتقدند که این چشم لوسیفر (شیطان) است و کسی که قدرت کنترل آن را دارد بر تمام دارایی ها حکومت می کند. این علامت در پیشگویی ها به کار می رود. جادوها، نفرین ها، کنترل های روحی و تمامی انحرافات تحت این علامت کار می کنند. این علامت روشنفکران است. به پول رایج ایالات متحده نگاهی بیندازید. این علامت اساس نظم نوین جهانی است.

Upside Down Cross صلیب وارونه: نشانه استهزاء و رد کردن مسیح می باشد. گردنبندهای آن توسط شیطان پرستان زیادی به کار می رود. این علامت را می توان همراه خواننده های راک و روی آلبوم های آنها دید.

Goat Head (سر بز): بز شاخدار، بز مندس mendes (همان ba'al بعل خدای باروی مصر باستان)، بافومت، خدای جادو، scapegoat (بز طلیعه یا قربانی). این یکی از راههای شیطان پرستان برای مسخره کردن مسیح است زیرا گفته می شود که مسیح مانند بره ای برای گناهان بشر کشته شد.

Anarchy (هرج و مرج): این علامت به معنای از بین بردن تمام قوانین می‌باشد. به عبارت دیگر " هرچه تخریب کننده است تو انجام بده " یعنی همان قانون شیطان پرستی، این علامت توسط پانک ها، هوی متالها و راک ها به کار می‌رود.

Anti Justice (ضدعدالت): تبر رو به بالا علامت عدالت روم قدیم بوده است که علامت واژگون شده آن نشانه ضدعدالت یا شورش و طغیان می باشد. فمنیست ها از دو تبر رو به بالا به معنی مادر سالاری باستانی استفاده می نمایند.

مشخصه های ظاهری

گذشته از اعتقادات، اعمال و سنبل ها، شیطان پرستان ظاهری متفاوت با دیگران دارند که می توان آنها را به راحتی از جمع تشخیص داد.

بطور مثال مدل موهایشان عجیب و غریب است اکثرا ابروهایشان را می تراشند یا به سمت بالا طراحی می کنند، رنگ آرایششان اغلب مشکی، بنفش و قرمز تند است، پوست بدنشان را با اشکالی مانند جمجمه، صورتک های شیطانی و سنبل ها خال کوبی می کنند، لباسهایشان از جنس جیر و چرم و اکثرا به رنگ مشکی و قرمز می باشد، چکمه های چرمی ساق بلند که اغلب با فلز تزئین شده است می پوشند.

فصل پنج) شیطان پرستی و پیدایش آن در موسیقی متال و جنبش عظیم بلک متال

بلک متال در نروژ از زمانی پدید آمد که نئو وایکینگ های نروژ در جستجوی راه و وسیله ای برای نابود کردن مسیحیت در نروژ و بعد در تمام دنیا بودند و در این راه انسانهای بسیاری را کشتند و کلیساهای زیادی را آتش زدند و بلک متال را تا نهایت نواختند که شاید خدای تارک پانگنا باز گردد.

بازدیدکنندگان و توریست ها از نروژ به عنوان کشور حماسه ها و افسانه ها یاد می کنند. پایتخت این کشور هم اسلو است که در مرکز این شهر همه چیز از خانه های سنگی زیبا تا معتادان و گدایان با قیافه های مختلف دیده می شود.

در یکی از همین خانه های مرکز این شهر و در یک اتاق شش ضلعی گروه mayhem به عنوان اولین گروه بلک متال نروژ شکل گرفت. در این اتاق فرشهای بسیار کثیف در زیر پا، صلیب های شکسته نازی بالای سر به همراه صلیب های برعکس و شمشیر وایکینگ ها که به در و دیوار آویزان شده دیده می شود.

Hell hammer در حال حاضر تنها عضو باقی مانده از ترکیب تشکیل دهنده گروه است. پایه و اساس این موسیقی در نروژ در اوایل دهه هشتاد شکل گرفت. اعضای این گروه در همان خانه زندگی می کردند که اطرافیان از این خانه به عنوان خانه ای شیطانی یاد می کنند.

Hell hammer می گوید: "وقتی برای خرید به مغازه ای می رفتیم پیر زن ها به محض دیدن ما فرار می کردند و به نوه ها و بچه هایشان می گفتند: اینجا محل زندگی شیطان است."

گروه مشغول تمرین و کار بود که dead خواننده گروه مغز خود را با شات گان متلاشی کرد و اعضای گروه جنازه او را همان طور در حیاط خانه رها کردند تا جسد dead خوراک پرندگان شود.

Hell hammer می گوید: "این کار dead مرا متعجب نکرد چون او واقعا دیوانه بود و همیشه هم از قلعه های عجیب نروژ صحبت می کرد" Hell hammer و Euronymous گیتاریست گروه اولین کسانی بودند که جنازه dead را دیدند و اورانیموس می گوید: ما وقتی جنازه او را دیدیم که مغز او روی زمین ریخته و خونش به دیوار ها پاشیده شده بود.

Hell hammer می گوید: " اورانیموس قسمتی از مغز او را برداشت و با فلغل و سبزی پخت و خورد." Hell hammer اولین کسی بود که لباس این چنینی بلک متال را مد کرد. چکمه های بلند، لباس جین، ژاکت های چرمی سیاه به همراه پنتاگرامی که به گردنبندهای که از استخوان جمجمه dead ساخته شده بود اولین تریپ گروه بلک متال بود.

بلک متال همیشه موسیقی ترسناکی بوده و حتی گروههای انگلیسی مثل venom خود را به عنوان یک گروه شیطانی مطرح کرد و خود را طبق قوانین شیطان پرستی وفق دادند. اما وقتی که بلک متال به نروژ رفت تغییراتی اساسی در آن شکل گرفت و جنگی عظیمی که بر علیه مسیحیت با این موسیقی شکل گرفته و پیوند خورده نماد پیدا کرد. از گروههای دیگری که بعد از mayhem به این نهضت پیوستند می توان به marduk ، burzum ، immortal ، dark throne و emperor اشاره کرد که در ابتدا به صورت زیرزمینی تشکیل شده و رشد کردند. در همین زمان euonymus شرکت DSP را شکل داد . او به نوعی رهبر این نهضت محسوب می شد.

Hell hammer در مورد او می گوید: " او احساسات نداشت. ترحم نداشت و همیشه هم می گفت که این نوع زندگی برایش لذت بخش است .این شرکت در زیر زمین همان خانه محل تمرین گروه تشکیل شد. این زیر زمین مثل سیاه چال های قدیم تارک و نمناک بود و با شمع روشن می شد.

افراد بسیاری پس از آمدن به این مکان و خروج از آن کفن به تن می کردند و در اوج نشنگی حاصل از مواد مخدر به خودزنی با چاقو و شیشه شکسته می پرداختند و با اسپری بر روی دیوار عبارت 666 را می نوشتند.

Hell hammer مردمی که با تفنگ به خود یا دیوار شلیک می کردند و حتی کسی که با پتک به مغز خود کوبید را به یاد می آورد یا حتی اورانیموس که یک روز آنقدر خود را با زنجیر زد تا بیهوش شد. در حدود سال 1990 بود که بلک متال در حال پیشرفت بود و در این زمان گروه سازش ناپذیر marduk پایه ریزی شد و با اولین آلبوم خود یعنی me Jesus در پی جدید را بر روی بلک متال و مبارزه با مسیحیت باز کرد. Samoth گیتاریست بزرگی که از اعضای تشکیل دهنده emperor است و سابقه همکاری با burzum ، satyricon و ... را دارد می گوید : " ما همیشه خشم و نفرت خود را نسبت به مسیح اعلام خواهیم کرد و خواهیم دید که چگونه ادیان وایکینگ ها باز خواهد گشت ."

نقطه اشتراکی که در بین گروههای آن موقع بلک متال دیده می شد این بود که همه آنها نفرتی خاص نسبت به مسیحیت داشتند. در این زمان آتش زدن کلیسا ها به وسیله کسانی که خود را سربازان اودین می نامیدند مد شد.

از پیشگامان این کار می توان به varg vikerness یا همان count grishnack اشاره کرد. از کلیسا های معروفی که ورگ آتش زد fantoft را نام می برد که از آثار باستانی نروژ است . از دیگر کلیساهای معروف kolmen kolen است که samoth آتش زد که این کلیسا کلیسای خانوادگی پادشاه هارالد پنجم بوده Samoth در ابتدا با کمک ورگ کلیسای fantoft را آتش زد و بعد از آتش زدن کلیسای kolmen کلیسای skjold را هم به آتش کشید. او می گوید : " در کوچکی در زیر محراب کلیسا وجود داشت و من هم چند گالن گازوئیل روی آن ریختم و کبریت زدم و فرار کردم ."

ورگ هم از اعضای اصلی این جنبش بود که اغلب لباسهای وایکینگ ها را می پوشید و در ایدئولوژی اش بسیار حساس و سخت گیر در عین حال احساساتی بود (این نکته در آهنگهای بارز ام چه با کلام و چه بدون کلام کاملا مشهود است و همیشه حتی در تند ترین آهنگهای او نغمه ای غمناک شنیده می شود). ورگ از معتقدان شدید به مبارزه با مسیحیان از طریق آتش زدن کلیسا بود. او با بنزین کلیسای fantoft را آتش زد و بلافاصله به میان آتش رفت و روی دیوار کلیسا ادرار کرد. بعد از این

جریان اورانیموس ادعا کرد که ورگ این کار را برای مشهور شدن کرده و تقریباً دو ماه بعد از این جریان بود که ورگ اورانیموس را کشت و به قصد توهین به دادگاه موهایش را بافت و دانما در دادگاه می‌خندید.

نظر مشترک اعضای بلك متال این است که مسیحیت در سال 995 بعد از میلاد توسط olaf tryggvason به نروژ آمد که آنها با آمدنشان طلا و نقره مردم را به غارت بردند و برای اجرای قدرتشان دین جدید را به مردم نروژ خواندند و قلعه های پانگانه را آتش زدند و مردم را سر دو راهی مسیح یا مرگ قرار دادند. اصلاحات مارتین لوترکینگ در سال 1537 مانند قبل آنچنان خونین نبود، ولی به همان اندازه بی قانون بود. لوترکینگ زبان آلمانی را با نروژی مخلوط کرد. با اصلاحات لوترکینگ تجاوز و دزدی در نروژ افزایش پیدا کرد و مبلغان تبلیغ می‌کردند که با مسیحی شدن به خدا نزدیک می‌شوند.

Trond viggo torgersson عضو هیئت کودکان نروژ می‌گوید: " شیطان پرستها خواهان پایان دادن به این دورونی معنوی مردم هستند". در این زمان نروژ بسیار ضعیف است و هر روز زندگی سخت تر می‌شود Torgersson امیدوار است که این آتش باعث بیدار شدن افکار خفته مردم شود. وقتی از اسقف andriass artfloat در این زمینه سوال می‌شود با عصبانیت می‌گوید: " این مسایل واقعا نمی‌تواند دین ما را خدشه دار کند و این قدر ضعیف هستند که ما حتی به مبارزه با آنان فکر نمی‌کنیم". پروفسور tormod engelsviken می‌گوید: " الان در زمانی شبیه قرون وسطی هستیم و این بار پانگان ها در مقابل مسیحیان قرار گرفته اند که هر دو طرف در عقایدشان بسیار دقیق هستند. " او اعتقاد دارد نروژیان دینی روحانی و واقعی می‌خواهند و می‌گوید: " این حرکت و جنبش پانگان ها نوعی خون خواهی و انتقام از خشونت مسیحیان است. شما باید به یاد بیاورید وایکینگ ها در زمان آمدن مسیحیت ساکت بودند و به مرور زمان از بین رفتند ولی الان نوبت نئو وایکینگ است". Nebelhexa خانمی که از اساتید دانشگاه در نروژ بود عضوی دیگر از این جنبش است که بسیار زود جادوی سیاه را یاد گرفت و به یکی از اعضای معتبر کلیسای شیطان تبدیل شد. او موهایی قرمز داشت و سرانجام کلیسای شیطان را ترک کرد و با samoth به همراه گروه emperor در تور اروپا برای cradle of filth شرکت داشت آشنا شد و با او ازدواج کرد. در نیمه شب سال نو همان سال samoth و nebelhexa از کوهی برفی در نزدیکی خانه شان بالا رفتند و در جایی در میان درختان samoth به رسم شیطان پرستها سینه های nebelhexa را برید و خون آن را روی برف ریخت و با هم همقسم شدند که تا عوض شدن دین نروژ از مبارزه دست نکشند Nebelhexa و samoth به همراه varg برای آتش زدن کلیسای رفتند و پس از آتش زدن آن samoth در میان آتش گیر کرد و varg او را نجات داد. nebelhexa در مورد ورگ می‌گوید: " او انسانی استثنائست و در همه چیز استعداد دارد و برای رسیدن به هدف همه کاری می‌کند او همیشه به samoth می‌گفت باید تمام کلیساها را آتش زد.

Faust درامر سابق و از اعضای تشکیل دهنده emperor از دیگر اشخاص معروف این جنبش است که به جرم کشتن يك کشیش و آتش زدن کلیسا به 14 سال حبس محکوم شد. در آگوست 1992 وقتی faust از پارك المپیک بازدید می‌کرد کشیشی را دید و با او دوستانه مشغول به صحبت شد و با هم قدم زنان به میان جنگل رفتند و در این جنگل faust گردن کشیش را با چاقو برید و جنازه او را رها کرد و فرار کرد. روز بعد از این جریان faust به همراه varg و euronymous برای آتش زدن کلیسای به نزدیکی همان پارك رفتند و faust داخل رفت و بمب دستی که ساخته بود در محراب کار گذاشت و انجیل و کتاب دعای مذهبی را هم روی آن گذاشت و کمی گازوئیل در نزدیکی آن ریخت و همه با هم به سوی کوه فرار کردند تا شاهد انفجار کلیسا باشند. بعد از این واقعه بود که faust دستگیر و به 14 سال حبس محکوم شد. تاثیر جنبش بلك متال و ضد مسیحیت و شیطان پرستی نه تنها در نروژ بود بلکه به دیگر قسمتهای دنیا هم کشیده شد و برای متال از گروههایی که در دیگر نقاط دنیا در این زمینه تشکیل شدند به گروههای six feet under ، deicide و cannibal corpse در آمریکا، opera IX در ایتالیا ، kataklysm در کانادا می‌توان اشاره کرد. شیطان پرستی در مصر

افکار و عقاید پیروان گروه شیطان پرستان که بر اساس آنچه تحقیقات نشان داده وابسته به طبقه ثروتمند و مرفه مصر و از آن جمله فرزندان برخی از مسئولان سیاسی، هنرمندان و روزنامه نگاران هستند، عقاید آنان بر این اساس استوار است که خداوند به شیطان ظلم کرده و بدون اینکه اجازه دفاع از خود بدهد، او را از بهشت بیرون کرده از این رو باید او را پرستش کرد زیرا به گفته آنان او برای پرستش، شایسته تر از خداست چون با شجاعت با خدا مخالفت کرد. رهبر این گروه که جوانی به نام «عماد الدین حمدی» هست و لقب خدمتگزار شیطان دارد و تاکید کرده است که بارها توانسته شیطان را فراخواند و با او به گفتگو بپردازد و شیطان همه خواسته های او را بر آورده کرده است. این گروه مراسم و برنامه های خاص نیایش را دارند. اجتماعات و مراسم شیطان پرستان در روزهای شنبه برگزار میشود. این روز از نظر یهود روزی مقدس است. پیروان این فرقه علامتها و نشانه های خاص دارند که از آن جمله دایره ای است که در درون ستاره ای وارونه به اضافه دو صلیب وارونه و ستاره داودی قرار دارد و همچنین معتقدند که دو مکان برای تجاوز به دختران مناسب است، نخست گورستانها و دیگری ساحل دریا به هنگام شب، آنان عقیده دارند که با تجاوز به دختران، تخم شیطان در رحم آنان قرار می‌دهند. اعضای این گروه به گورستانها و مخصوصاً به گورستان «کومولت» شهرک مصر در قاهره می‌روند و اجساد مردگان را از قبرها بیرون می‌آورند و صلیب شکسته و ستاره شش پر داودی یا ستاره پنج پر را در جسد مرده فرو می‌کنند و سپس برای تقرب به شیطان دور آن می‌گردند. همچنین قربانی هایی برای شیطان تقدیم می‌کنند که عبارت بود از «ذبح گربه ماده یا سگ که پس از کشتن این حیوانات خون آنها را به صورتها و دستهای خود می‌مالند و در یک دایره ای می‌چرخند تا شیطان از آنها راضی شود و اگر حیوانی برای قربانی نیابند دست خود را زخمی می‌کنند تا خون جاری شود و سپس خون را به صورت های خود می‌مالند و آنگاه نسخه ای از قرآن مجید را پاره، پاره می‌کنند و بعد در حالی که صدای موسیقی «راک» نواخته می‌شود به استعمال مواد مخدر می‌پردازند. گروه شیطان پرستی در مصر از سال 1993 میلادی به صورت پنهانی در مصر تاسیس شد و با کمال آزادی به فعالیت خود ادامه دادند تا اینکه در جشنی که شرکت تولید سیگار «مالبورو» ترتیب داده بود، شرکت کرده و هویت و عبادات خود را اعلام کردند و زیر پوششهایی پوشیدند که بر روی آنها نا سزا و اهانت به ذات مقدس خدای تبارک و تعالی و ادیان آسمانی نوشته شده بود که سبب شد موسسات اسلامی مصر و گروههای سیاسی و نیروهای ملی این کشور، این گروه را سخت مورد انتقاد قرار دهند و تاکید کنند که پوچ گرایي و خلاء دینی که افراد این گروه به آن گرفتار شده است، موجب ارتداد آنان از اسلام شد.

شیطان پرستی در کردستان عراق

ریشه ادبی و وجه تسمیه یزیدیه

یزیدیه به کردی Êzîdî (تلفظ: إزدی) یا یزیدیان از ادیان باستانی رایج در کردستان است. در زبان پهلوی اسم " یزته " در وهله ی اول به " یزت " تخفیف یافته، تا به دال تبدیل شده و بشکل یزد در آمده و جمع آن یزدان (یزتان) می باشد و سپس در دوران اسلامی تخفیف دیگری در آن داده شده و به " یزدان " مبدل گردیده است و عربها چون معنی یزدان را نمی دانستند آنرا به یزید تعبیر کردند. لذا آنها را به یزید بن معاویه نسبت داده و آنها را یزیدی نامیدند. بنابر روایات واژه یزیدی مشتق از کلمه " ایزد" یا "یزته" است که در پارسی باستان به معنای دین خدایی است. در باب وجه تسمیه نام ایشان اختلافاتی هست و بعضاً

نام آن را منسوب به یزید بن معاویه یا یزید بن انیسه خارجی نیز دانسته‌اند، اما بنظر می‌رسد نام پارتیه^۱ این کیش و اشاره‌اش به مفهوم "ایزد" در دین زرتشت، صحیح‌تر باشد. یزیدیان از واژه داسنی نیز برای نامیدن خود استفاده می‌کنند.

تاریخچه

پیشینه این دین پیش از ورود اسلام در مناطق یاد شده، وجود داشته است و تحت تأثیر ادیان زرتشتی و مانوی قرار گرفته است و عقاید مهرپرستانه و ثنویت زرتشتی بر آن تأثیر داشته‌اند. تأثیراتی از دین یهود و فرقه^۲ «نسطوری» و عقاید صوفیه (پس از اسلام) نیز در منابع برشمرده شده‌اند. در منابع مربوط به فرقه‌های اسلامی آن را فرقه‌ای از جمله غلاة شیعه دانسته‌اند.

اولین دانشمندی که توجه محققان را به آنها جلب کرد، احمد تیمور پاشا بود که در کتاب «الیزیدیه و منشاء نحلّتهم» به این مساله اشاره می‌کند که از این قوم پیش از قرن ششم هجری قمری نامی در تاریخ نیامده بود که این زمان همان زمانی است که شیخ عدی به میان آنها آمده و طریقه^۳ «عدویه» را در میان آنها بنیان نهاده‌است. ابوفراس در کتاب خود که به سال ۷۵۲ هجری قمری تالیف شده‌است آنها را به همین نام خوانده است. محقق دیگر، «ابوسعید محمد بن عبدالکریم سمعانی» در کتاب الانساب می‌نویسد:

"جماعت بسیاری را در عراق در کوهستان حلوان و نواحی آن دید که یزیدی بودند و در دیه‌های آنجا به صورت مردم زاهد اقامت داشتند و گلی به نام «حال» می‌خوردند. این گل را برای تبرک از مرقد شیخ عدی برمی‌دارند و آن را با نان خمیر می‌کنند و بصورت قرص درآورده و گاه گاه می‌خورند و آن را «برات» نامند. زبان و محل سکونت

زبان اکثر یزیدیه‌ها کردی است، پس از گسترش اسلام در کشور ایران، ایزدیان ارتفاعات کوهستانی حلوان و شهرور را پناهگاه خود ساختند تا بتوانند به کیش باستانی خود باقی بمانند و دور از چشم مسلمین، به راه و روشهای آیینی خود سرگرم گردند، اما انتشار اسلام در ایران باعث شد که گروه کثیری از آنان اسلام بیاورند کردان ایزدی اکنون در اطراف موصل، حلب، هکاری، دیاربکر، وان، ارض روم، سنجار، شیخان، بغداد، قره باغ، لاجین و سرزمینهای بین آذربایجان شوروی و ارمنستان، و شمار نسبتاً زیادی نیز در کشورهای اروپایی (به ویژه آلمان) زندگی می‌کنند.

شیخ عدی بن مسافر هکاری

برخی او را که نام کامل و کنیه‌اش «شرف‌الدین ابوالفضائل عدی بن مسافر بن اسماعیل بن موسی بن مروان بن حسن بن مروان» است را منصوب به مروان بن حکم می‌دانند و در امویت او اتفاق نظر دارند. او را مردی صالح و باتقوا دانسته‌اند که در بعلبک سوریه به دنیا آمده‌است از شام به منطقه سی جار آمده و به انتشار طریقه عدویه پرداخته و توانسته یزیدیه را بدور خود جمع نموده و به خدا پرستی و رعایت برنامه های اسلامی وادار نماید. بعدها در کوهستان حکاری در کردستان و موصل سکنی گزیده‌است. در این زمان او به «شیخ عدی حکاری» موسوم می‌گردد.

یزیدیه او را به عنوان مرشد خود می‌پذیرند و تا حد زیادی از عقاید گذشتگان خود پیگانه می‌شوند. او بین سال ۵۵۵ تا ۵۵۸ هجری قمری در حالی که نزدیک به ۹۰ سال سن داشته‌است از دنیا می‌رود و وی را در زاویه^۴ خود در حکاری دفن می‌کنند. مقبره^۵ او در نزدیکی اربیل (هه ولیر) واقع است و بر روی سنگ قبر وی چنین نوشته شده‌است:

"بسم الله الرحمن الرحيم خالق السماء و الارض، اخفض هذه المنزل محل الشيخ العدی الحکاری، شیخ یزیدیه. "

پس از وفات شیخ عدی و دفن او در کوه "لالش" واقع در شهرستان سی جار برادرزاده اش «ابوالبرکات بن صخر» جانشین وی گردید و بعد از او عدی بن ابوالبرکات رئیس یزیدیه شد. او هم مرد مسلمانی بود. چون درگذشت پسرش «حسن ملقب به تاج العارفین» به ریاست یزیدیه انتخاب گردید. می‌گویند در زمان شیخ حسن در عقیده‌ی اسلامی یزیدیه شیهاتی حاصل شد و دوباره دین باستانی در میان آنها جان گرفت و به شیخ عدی بن مسافر مقام الوهیت دادند و گفتند خدا در وی حلول نموده است. رهبریت یزیدیان رهبریتی موروثی است که از این نظر به مذهب شیعه شبیه است. در سلسله مراتب آنها مثل هر سلسله مراتب دیگری شیخ یا پیر، فرا دست است و مرید، فرو دست، کتابهای مقدس

تا مدتها پیش داشتن سواد خواندن و نوشتن برای یزیدیان تابو محسوب می‌شد و یکی از دلایل کمبود چشمگیر اسناد در مورد این مذهب همین امر باید باشد. به هر حال دو کتاب را می‌توان نام برد که به این آئین تعلق دارند کتاب «جلوه» منصوب به شیخ عدی و کتاب «سیاه» یا «مصحفه ره ش» منصوب به پسر او که هر دو به زبان منظوم کردی است که از سال 1895 میلادی به بعد در حدود سیزده بار با متن و ترجمه‌ی آنها به زبانهای مختلف به چاپ رسیده است. ترجمه یکی از نیایشهای پس از نمازهای ششگانه ایزدیان چنین است:

((ای ایزد بزرگ! حقا که تو پادشاه جهانی، و یزدان مهر و ماهی روزی دهنده جن و آدمیزادی و خداوندگار جهان بالا، ای مزدا مردم کردستان را مزده یاری ده که دفتر ایمان را پخش نمایند و گمراهان را نابود کنند و شورشی در کردستان بر پا نمایند و عظمت ایران را با بر جا و استوار نگهدارند و سرزمین کفر را نابود سازند.)) اعتقادات

بنا به کتابهای خطی ایزدی و نوشته‌های برخی از مورخان، ایزدیان از بازماندگان آیین مانی هستند و ادیان دیگر ایرانی از قبیل آئین زرتشت و مزدک در مسلك آنان نفوذ پیدا کرده است. معتقد به خدایی هستند که آفریدگار جهان است ولی پس از خلق جهان کاری به کار جهان و جهانیان ندارد.

گویند خدا نخستین موجودی را که خلق کرد ملک طاووس بوده است. ذات ملک طاووس با ذات خدا یکی است و پس از ملک طاووس ششش ملک دیگر قائلند که رابط بین خدا و خلق هستند ولی ملک طاووس اولین ملک محسوب می‌شود. در اینجا عقاید زردشتیان در ذهن متبادر می‌شود که پس از ذات باری به وجود خرد مقدس یا اسپنتامینو عقیده دارند که اولین موجود است و بعد از او ششش امشاسپند دارند و اسپنتامینو گاهی جزو امشاسپندان محسوب می‌شود و عده آنها به هفت می‌رسد و گاهی او را به اعتبار ا لوهیت می‌نگرند و امشاسپندان ششش تا می‌شوند.

بنا بر رای مستشرقینی مثل "هورتن" کیش یزیدی نور پرستی است و منشا آن ثنویت ایران قدیم است که به غلبه نور بر ظلمت منتهی می‌شود.

ملک طاووس اهریمن نیست بلکه تشخیص اصل شر است که دنباله خیر محسوب می‌شود. و به این معنی است که شر از لوازم خیر و مخلوق بالعرض است و جزو نقشه آفرینش است. پس ملک طاووس هم از ارکان آفرینش به شمار می‌رود. یزیدی ها شیطان را به عنوان معارض و خصم خدای متعال نمی‌پرستند بلکه ملک طاووس یا شیطان را ملکی می‌دانند که هرچند سبب طغیان و سرکشی و مغضوب درگاه الهی شد و به جهنم افتاد ولی 7000 سال در آنجا بگریست چندانکه هفت خم از شک دیدگانش پر شد و آنگاه خدا او را بخشید. یزیدیان هم مثل بسیاری از پیروان ادیان باستانی اعتقاد دارند که جهان و هرچه در او هست از چهار عنصر اصلی یعنی «آب، باد، خاک و آتش» ترکیب یافته‌است.

خداوند به ادعای خود، مشابه باور معمول ادیان سامی، انسان را از آب و خاک آفرید در حالیکه فرشتگان درگاه ابدیت همه از جنس آتشند؛ و آتش به باور آنها بر گل (ممزوج آب و خاک) ارجحیت دارد. از این رو وقتی خداوند از همه فرشتگان بارگاهش (از جمله ملک مقرب، طاووس) می‌خواهد که در مقابل ساخته دست او، آدم، تعظیم کنند، ملک طاووس «شیطان» از این دستور ایزدی سر می‌پیچد و از همان زمان سر به شورش می‌گذارد، شورش‌ی که تا روز حشر ادامه خواهد داشت و یزیدیان آن را شورش‌ی بر حق و از روی حکمت خداوند می‌دانند و شیطان را لعن نمی‌کنند و معتقدند که در آخرالزمان او مشمول لطف و بخشش پروردگار خواهد گشت.

محققین و متکلمین اسلامی آنها را بدلیل باور به نسخ اسلام در آخرالزمان، جزو غلاة دانسته‌اند. یزیدها به شیطان یا بقول خودشان ملک طاووس ارادت دارند و چون در قرآن و دیگر کتابهای مذهبی به شیطان و ابلیس لعن شده، او را ملک طاووس می‌نامند که رئیس تمام ملائکه می‌باشد. در فرهنگ اعلام معین آمده است که چون در آن زمان (یعنی در زمان زندگی شیخ عدی) عادت لعن و سب شیوع داشت "شیخ عدی دستور داد لعن را مطلقاً ترک کنند حتی لعن بر ابلیس را".

علاوه بر یزیدها بعضی از عرفای مشهور، یکتا پرستی ابلیس را ارجح می‌نهند. بقول ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، (ج 1 ص 35) ابوالفتوح احمد بن محمد غزالی برادر ابو حامد محمد بن محمد غزالی روزی در بغداد بر بالای منبر گفت: اگر کسی توحید را از ابلیس یاد نگردد زندق است. زیرا او مأمور شد که بغیر از خدا را سجده کند ولی نپذیرفت.

ایزدیان به تناسخ ارواح عقیده دارند و معتقدند انسان چنانچه در جهان نیکوکار و خیر باشد، هنگامی که می‌میرد روحش مجدداً به تن کودکی نیکوکار حلول می‌کند، اما اگر انسان بدکار و شریری باشد، هنگامی که روحش آزاد می‌شود به بدن جانوران و حشرات موزی چون کژدم و مار راه می‌یابد.

به عقیده آنها ارواح دو قسمند:

اول - شریره که در حیوانات بد جنس حلول می‌کنند و همیشه در عذابند.

دوم - ارواح پاک که در فضا پرواز می‌نمایند تا برای مردم زنده اسرار کائنات و معیبات را کشف نمایند و این ارواح با عالم غیب در تماس دائم هستند.

محرمات

خوردن کاهو، کلم، لوبیا و سبزیجاتی که با کود انسانی تقویت شوند حرام می‌دانند و از گوشتها هم گوشت خوک، ماهی و آهو را حرام می‌شمارند.

برای شیوخ و پیشوایان آنها خوردن گوشت خروس هم حرام است زیرا "ملک طاووس" به شکل خروس است.

تراشیدن سبیل را هم حرام ولی سبک کردن آنرا مستحب می‌دانند.

اما قوالها و فقرا و پیشوایان روحانی نباید ریش را بتراشند.

یزیدی حق ندارد بیش از یکسال از محل خود دور شود و نباید در مجالس انس و طرب حاضر گردد، تا نفس خود را ذلیل نماید.

نگاه کردن به زن غیر یزیدی و شوخی کردن با او را حرام می‌دانند. به عقیده ی آنها چون در ماه نیشان دهه ی دوم و سوم فروردین و دهه اول اردیبهشت ملائکه با هم اتصال می‌نمایند نباید ازدواج کرد و تعمیر خانه را هم در این ماه نباید انجام داد.

یزیدی حق ندارد در داخل مسجد مسلمانان شده و نماز خواندن آنها را در یک جا ببیند. در کتاب مصحفه ره ش چنین آمده است :

نام شیطان یعنی ملک طاووس بر هیچ کس از ما جایز نیست ببریم، یا اسمی شبیه به آن مانند کلمه ی شیطان، قیطان، شر و شط و شبیه اینها و نیز لفظ ملعون یا لعنت یا فعل را هم نباید بر زبان بیاوریم.

یزیدی حق ندارد آب دهان خود را بر زمین بریزد، زیرا این عمل اهانت به طاووس ملک است و نباید از اسب و مادیان برای بارکشی استفاده نماید و نباید لباس آبی بپوشد.

یزیدها اطفال خود را ختنه می‌کنند. از کوزه و ظرف دسته دار آب نمی‌نوشند و نیم خورده ی مازاد شخصی غریب را نمی‌خورند.

درجات افراد

اول: امیر- فردی مصون و غیر مسئول است و او را معصوم دانسته و معتقدند که جزئی از خداوند در او حلول نموده و حق قضاوت مطلق بر رعیت خود دارد زیرا او وکیل شیخ عدی است. امیر کنونی آنها سلیمان سور می‌باشد.

دوم: بابا شیخ - وظایف او منحصر به قضایای دینی است و ناظر ساختمان مرقد شیخ عدی و حفظ سجاده منسوب به شیخ می‌باشد و اوست که ایام روزه و عدد رکعات نماز و نصاب زکات را تعیین می‌کند.

سوم: شیخ - او با سواد یزیدی هاست که باید از سه خانواده ی آدانیه، شمسانیه و قبابیه باشد، ازدواج افراد این سه طایفه با هم حرام است.

چهارم: پیر- اینها در مقام بعد از شیخ هستند که وظایف ارشاد مریدان را دارند. مریدان باید پنج درصد از عواید خود را به آنها بپردازند و انتظار شفاعت بیماران را از پیر دارند.

پنجم: فقیر- به زاهدان یزیدیه فقیر می‌گویند. فقرای یزیدیه خرقه ی پشمی سیاهی می‌پوشند که تا پاره نشود آن را از بدن بیرون نمی‌آورند. خرقه ی کهنه را در جایی می‌آویزند و آنرا به هنگام مرگ با صاحبش دفن می‌کنند. فقرا رشته طنابی را هم به گردن خود می‌بندند و کلاه نیز به سر می‌گذارند و این سه وصله موجب احترام است.

ششم: قوال- به کسانی گفته می‌شود که سرودهای دینی را در مراسم دینی یا در ایام عید می‌خوانند. غالباً قوالها شعرای محلی خوبی هستند که گویا شیخ عدی به آنها حق انشاء قصیده و مدیحه را داده است و به حفظ اسرار شریعت و حوادث تاریخ ماخوذ نموده و نیز به مصاحبت طاووس ملک مفتخر داشته است.

قوالها مأمور جمع آوری نذورات و جاروب کردن مقبره و لباس زائران نیز می‌باشند و این کارها را موروثی می‌دانند و به فرزندان خود رقص دینی و نواختن دف و نی و سرنا و قصاید و سرود می‌آموزند، آنها با غیر از سلسله خود ازدواج نمی‌کنند.

هفتم: کوچک‌ها- عده ی آنها زیاد است. لباسشان سفید و کمر بند پشمی سیاه یا سرخی دارند که حلقه دار است.

وظایف دینی آنها غسل و کفن و دفن مردگان و انجام کارهای سختی در مقبره شیخ عدی از قبیل انتقال سگها و بریدن درختان می‌باشد.

چنانچه یزیدی به مقام کوچک‌ها رسید می‌تواند عاقبت مردم را پیش بینی کند و با ارواح مکاشفه داشته باشد و این اشخاص باید بر چهل منبر رفته و چهل چراغ زیارت کنند و قسم بخورند که نسبت به شیخ عدی بن مسافر وفادار باشند و چهل روز روزه بگیرند.

هشتم: مرید- مریدهای یزیدیه که مردم عوام و گدایان این طایفه هستند، کورکورانه اوامر روسای روحانی خود را انجام می‌دهند. هر مرد یا زن یزیدی باید پیر و شیخ داشته باشد و صدقات و نذر و نیاز خود را به او بدهند و از وی تعلیم بگیرد.

اعیاد

عید اول سال- سال یزیدیه اول ماه نیشان شرقی برابر 14 نیشان غربی می‌باشد که روز چهارشنبه را جشن می‌گیرند و اگر اتفاقاً روز اول نیشان پنج شنبه باشد عید

آنها به روز چهارشنبه هفتم ماه که بیستم نisan غربی است موكول می شود که با اواخر فروردین مصادف است

روزه - معتقدند که روزه سه روز است و مسلمانان اشتباهاً سی روز را روزه می گیرند و روز جمعه را عید عمومی دانسته و آنرا عید روزه ی یزد می نامند.

مراسم و تشریفات

جشنهای یزیدیان بر مبنای تقویم زرتشتی/ میترائی استوار است و مهمترین آنها همان مراسم جامائیه یا جام است که هر ساله در اواسط تابستان در روستای " لالش" در مرکز کردستان عراق برگزار می شود که با ایام جشن پاییزی مهرگان، نزدیکی عجیبی دارد این مراسم البته به مدت هفت روز ادامه دارد و در آن علاوه بر زیارت مرقد شیخ عدی و دیدار از دوزخ، مجسمه بزرگی از طاووس می سازند که سمبل ملك طاووس "شیطان" است.

باور این مردم از جهان ملغمه ایست از باور زرتشتی، میترائی و صوفی. در این باور "یزدان" در آغاز مرواریدی آفرید که پس از گذشت چهل هزار سال شکست و ملك طاووس، فرشته مقرب یزدان، از خرده ریز همین مروارید جهان مادی را خلق کرد. پس از آن بود که فرشتگان دیگر توسط یزدان خلق شدند. در این باور، شیطان نه دشمن خدا که شریک او در خلقت جهان است.

روایت "یزدی" از خلقت انسان به روایت یهودی/ مسیحی از خلق آدم و حوا نزدیک است با این تفاوت که "شیطان" نه فرشته مغضوب و سوسه گر که آموزگاری خردمند برای انسان است. در این باور خدا پس از خلق انسان خودش را از ماجرا کنار کشیده و دخالتی در نیکی و بدی او ندارد. آنکه راه نیک و بد را نشان انسان می دهد همانا ملك طاووس است.

در این جشن، مراسم و نیایش های گوناگونی انجام می شود که تعدادی شرح داده می شود:

مراسم سما که توسط گروهی متشکل از بیست نفر در محوطه مقابل مقبره شیخ عدی بدور يك شمعدان بنام چقالته که در وسط حیاط قرار گرفته انجام می گیرد. بر بالای شمعدان يك ظرف پر از روغن زیتون دیده می شود که در اطراف آن هفت فتیله قرار دارد. در وسط ظرف فتیله دیگری که به فرم گل رز بزرگی ساخته شده جای دارد. مراسم با چرخش کند و آهسته بدور شمعدان در حال سوختن، هر چهار ساعت سه بار، در حالی که قوالها در جلوی درب مقبره و مشغول نوحه سرایی و نواختن دف و نای هستند، اجرا می شود.

مراسم قباغ ویژه پنجمین روز جشن است که در آن عده ای به قله کوه مقابل رفته با تفنگهای خود شروع به تیر اندازی می کنند و سپس در میان هلهله و شادی فراوان به مقبره شیخ باز می گردند که مردان و زنان همراه دف و نای دور آنها در حال رقص هستند در اینحال میر شیخان گاو بزرگی را آماده کرده و از آنان می خواهد تا آنرا در مقابل هر گونه آسیب محفوظ بدارند. جوانان مسلح گاو را تحویل گرفته و با خود به مقبره شیخ شمس مقبره ای دیگر از پارسیان در فاصله ای دورتر می برند و تعهد می کنند که آنرا صحیح و سالم به مقبره شیخ عدی برگردانند. زمانی که آنها دعا و مناجات را که برای غیر ایزدیا نامعلوم می نماید تکرار می کنند دو نفر ایزدی، مخفیانه به داخل صف آنان نفوذ کرده و یکی از آنها با زرنگی خاص گاو را می دزدد، ناگهان صدای داد و فریاد از هر طرف بلند می شود و حاضرین بی آنکه اهمیت بدهند چه کسی دزد است شروع به جستجوی گاو می کنند و این در حالی است که وانمود می کنند که هم نام و هم حضور وی را فراموش کرده اند.

آنها سپس گاو را در میان احساسات شدید خود به مقبره شیخ عدی باز می گردانند. افراد قبائل و عشایر در محلی بنام میدان جهاد گردهم جمع می شوند و سپس ده مرد شجاع و نترس قبیله جلوتر می آیند تا از گاو پاسداری کنند. اما در این موقع میر اعلام می کند که احتیاج به وجود آنها نیست چرا که گاو، فراری شده است این بدان علت است که دو مردی که قبلاً گاو را دزدیده بودند بداخل مقبره وارد شده و خود را بجای مردان میر که قصد پاسداری از گاو را داشتند جا زده بودند آنها سپس همراه با گاو به آرامگاه شیخ شمس فرار می کنند در آنجا یزیدیا با چوب و شلاق گاو را شدیداً می زنند و پس از چندی ذبح می کنند.

این مراسم يك سرگرمی مخصوص جشن نیست بلکه رد اصل يك آیین مذهبی است که ایزدیان به روش سنتی آنرا انجام می دهند تا برکت و فراوانی را نصیب کشاورزی خود بکنند این مراسم در واقع فرم خلاصه شده های است از نحوه دستگیری گاو و ذبح آن توسط میترا از مراسم مهر پرستان.

مراسم عزاداری

هنگامی که يك ایزدی به حال احتضار می افتد، همه اقوام و کسان او دورش جمع می شوند شیخ نیز می آید و کمی از خاک آرامگاه شیخ عدی که آن را برات می نامند، در آب ریخته حل می کند و قطره قطره در دهان وی می ریزند و هنگامیکه جان بسپارد با زیباترین جامه او را می پوشانند و سپس کفنش می کنند و آنرا بر روی تخته ای می نهند و تا سه روز در خانه نگاه می دارند سپس جنازه را به گورستان می برند و خویشتان و کسان مرده برایش مویه می کنند و قوالان هم با نواهای حزین و اندوهناک و با آوای نی لبک همراه مردم به گورستان می روند تا متوفی را به خاک بسپارند.

مراسم عزاداری تا سه روز طول می کشد و زنان و دختران، روزی دوبار بر سر آرامگاه در گذشته می روند و دف و نی می زنند و سرودهایی را زمزمه می کنند و به شیون و گریه می پردازند و پس از فرو نشستن آفتاب به خانه های خود باز می گردند. پس از سه روز عزاداری، غذا درست می کنند و روی آرامگاه می گذارند و بر این عقیده اند که مرده احتیاج به غذا دارد.

روزهای هفتم و چهلم نیز دارای مراسم ویژه ای است. ایزدیان روستانشین پس از مرگ هر کدام از عزیزانشان، اسب او را می آورند و لباسهای فاخر و کلاه و دستار و تپانچه اش را بر روی زمین می گذارند، اگر مرده پیر باشد پارچه ای سیاه به گردن اسبش می گذارند و اگر جوان باشد پارچه ای رنگین به گردن اسب می نهند و همراه با آوای نی و دف در میان مردم می گردانند و دلاوریا و جوانمردیا و بخشندگی ها و اوصاف مرده را با شعر برای مردم بیان می کنند اینگونه اشعار را (لاواندنه وه) می گویند. فشارهایی که بر یزیدیان وارد شده است :

1- خفه شدن شیخ حسن در موصل در سال 644 هجری.

2- بریده شدن سر صد نفر از یزیدیا و اعدام امیر آنها و نبش قبر شیخ عدی و سوزاندن استخوانهایش توسط صاحب موصل در سال 652 هجری، در این زمان به آنها عدویه می گفتند.

3- قتل و غارت یزیدیا در سال 817 به تحریک جلال الدین محمد بن غزالدین یوسف حلوانی که از شافعیه و از علما و فقهای ایران بود توسط حاکم جزیره ابن عمر و کردهای دیگر.

4- در سال 1127 هجری توسط ملا حیدر کرد و ملك مظفر نام به یزیدیه حمله برده شد و زن و فرزندانشان اسیر گردید و اموالشان به یغما رفت. مهاجمان، زنان آنها را فروختند و کنیزان و دخترانشان را برای خود نگاه داشتند.

5- در سال 1247 هجری برابر 1731 میلادی محمد پاشا معروف به میر کویر (کور) روانداز به قلمرو یزیدیا حمله برد و 3/4 آنها را نابود کرد.

6- در سال 1308 ه . ق- دولت ترکیه عثمانی برای مطیع کردن یزیدیا جهت خدمت سربازی، بسر لشکر عمر وهبی دستور داد دست بکار شود. وی عده ای از یزیدیهای

شیخان را بزور مسلمان کرد و به پسرش نایب اول عاصم بگ دستور داد به کشتار و غارت یزیدیها بپردازد. وی مجسمه های آنها را برد و گنبد های قبور پیشوایان ایشان را خراب کرد و به مقبره ی شیخ عدی بی احترامی های فراوانی روا داشتند.

7- در سال 1354 بعثت تمرد یزیدیه از خدمت سربازی، حکومت پادشاهی عراق آنها را متهم به سازش با مسیحیان و فعالیت برای فرانسویان مقیم سوریه نمود و به سرکوبی آنها پرداخت. در نتیجه صد نفر از آنها کشته و عده ای زندانی و تبعید و فراری شدند و عده ای هم به اعدام محکوم گردیدند. خاطرات رضا علامه زاده از شرکت در مراسم حج یزیدیان

لالش روستائی است در مرکز کردستان عراق که از شهر دهوک نزدیک به سه ساعت با ماشین فاصله دارد پرستشگاه لالش که به آتشکده ای بزرگ می ماند در مرکز این روستا بر فراز تپه ای بنا شده که ظاهرا باید خیلی قدیمی باشد. وقتی به لالش رسیدیم روستا مملو از جمعیت بود، می گفتند در طول این سه روز چندین هزار نفر به زیارت خواهند آمد، جوانترها، دختر و پسرها، با پای برهنه (مطابق با مراسم) در کوچه ها شادمانه قدم می زدند و برخی از آنها روی بام بلند خانه ای به آهنگ کردی دست در دست هم انداخته بودند و می رقصیدند. زنها به پخت و پز در دیگ های مسی بزرگ بر اجاق های سنگی مشغول بودند و فضا دقیقا فضای سبزه بدر خودمان بود. پرستشگاه لالش از سه قسمت تشکیل می شود: شبستان، محوطه حیاط و صحن دوزخ جائیکه مراسم حج در آن برگزار می شود. وقتی من به شبستان رسیدم نزدیک به صد نفر مرد، اکثرا در لباس کردی و بعضا با سر و وضع شیک، دور سالن بزرگ نشسته اند و دو بدو و چند به چند دارند با هم اختلاط می کردند. مردی از قهوه جوشی دسته بلند در استکانهایی به کوچکی انگشتانه قهوه ای به تیرگی قیر و به تلخی زقوم می ریزد (زقوم: گویند درختی است در جهنم دارای میوه ای بسیار تلخ که دوزخیان از آن خورند - فرهنگ معین) و دور می گرداند. سر در عمارت مربوطه مثل سر در همه مساجد و کلیساها پر از نقش و نگار است. اما آنچه جلب توجه می کند نام "طاووس ملک" است که به صورت سنگ برجسته بر دیوار نقش بسته است. و اما دوزخی که من در پرستشگاه لالش دیدم تنها چند دخمه غار مانند تار و تیره بود با خمره هایی که کنار هم چیده شده بودند و رویشان رنگ مشک ریخته بودند تا فضا را مرموزتر و ترسناکتر کنند. درهای دخمه آنقدر کوتاه بودند که باید خمیده از آنان می گذشتی و اگر بی دقتی می کردی ممکن بود سرت به دیوار ناصاف غار بخورد.

بخش مهم و تعیین کننده این مراسم، جدا از گره زدن به پارچه هایی که به ستونهای بسته شده اند (مثل دخیل بستن) یا طواف کردن دور مقبره ای که لابد گور یکی از قدیسان یزیدی است، پرتاب دستمال به سنگ برجسته ای است که از دیواره غار بیرون زده است. اصلی ترین مرحله حاجی شدن این است که با چشمان بسته از فاصله شش هفت متری دستمال سیاهی را که به بزرگی چارقد زنان کرد است به طرف این سنگ پرتاب کنی. اگر در سه بار موفق شوی دستمال را به برجستگی سنگ گیر بدهی حجت قبول شده است وگرنه باید روز دیگر برگردی و دوباره تلاش کنی. بسیاری از زوار موفق نشدند از این آزمایش بگذرند.

گزارشی از تعصبات یزیدیان

در ۷ آوریل ۲۰۰۷ در کردستان عراق جنایتی غیر قابل تصور و وحشیانه اتفاق افتاد. خبر بیست روز بعد از حادثه، زمانی در جهان انعکاس یافت که چند صحنه از فاجعه بصورت فیلمی که با یک تلفن همراه گرفته شده بود پخش شد. Asuda، سازمان مبارزه با خشونت علیه زنان در بیانیه اش در تاریخ ۲۶ آوریل برای اولین بار خبر را به گوش جهانیان رساند. WADI هم یک سازمان کمک به کردستان عراق، که مقرش در اطریش است و سازمان عفو بین الملل در ۲۷ آوریل خبر را انتشار دادند. شبکه تلویزیونی " CNN " در دو مرحله اقدام به پخش فیلم این جنایت که توسط تلفن همراه تصویر برداری شده نمود. و سایت یاهو در قسمت کلیپ های ویدیویی این جنایت را به نمایش گذاشت.

به گزارش خبرنگار سایت پزشکان بدون مرز، دعا خلیل اسود نوجوان ۱۷ ساله از فرقه ایزدی یا یزیدی، که به جرم دوست داشتن یک پسر عرب سنی از طرف اطرافیان و جوانان متعلق به فرقه یزیدی سنگسار شد. (در این فرقه عاشق جوانی مسلمان شدن گناهی نابخشودنی است. جرمی که جز مرگ تاوانی ندارد.) این واقعه در مرکز شهر موصل و یا شهر بشیقه در کردستان عراق و با حضور عده زیادی از جمله پلیس محلی اتفاق افتاد. گویی در این جامعه نیرو و یا افرادی نبودند که دعای نوجوان را از زیر دست مشتکی متعصب و جانی خلاص کنند. در حالی که چندین نفر با تلفن همراه از این واقعه فیلم و عکس می گرفتند، تعدادی با سر و صدا و داد و فریاد او را سنگسار کردند. اما آنچه اتفاق افتاد سنگسار نبود، بلکه حیوانی ترین عملی بود که می توانست توسط انسان انجام شود.

دعا دختر ۱۷ ساله کرد در وسط میدان به وسیله افرادی با لگد، سنگ و بتون مورد حمله قرار گرفت متاسفانه خانواده و بستگان دعا در جلوی صف بودند. غم انگیز تر از همه آن بود که تعدادی جوان نیز از این فرصت استفاده کردند و به برهنه کردن این نوجوان ۱۷ ساله پرداختند و دعای نوجوان در میان لگد ها و ضربات مرگبار اطرافیان به پوشاندن بدن برهنه خود می پرداخت. جرم این نوجوان ۱۷ ساله فقط عاشقی بود.

ماجرای چگونه اتفاق افتاد؟

دعا برای ازدواج با پسر عمویش انتخاب شده بود اما به خاطر عشق به جوان عرب مسلمان می شود. حتی به شوق دیدن معشوق از روستا فرار می کند. اما جوان عرب دعا را نمی پذیرد.

دعا سرافکننده باز می گردد. اما به کجا؟؟!! دعا جایی را برای رفتن ندارد. می داند که گناه غیر قابل بخششی مرتکب شده و بازگشتش به روستا برایش چیزی به جز پایداری سیاه نخواهد داشت. ولی دعا باز می گردد. شاید از گناهِش بگذرند. دعا برای نجات جانش به نیروهای پلیس عراق در شهر پناه می برد تا شاید آنها بتوانند از آتش تعصب کور نجاتش دهند. اما پلیس به جای حفاظت از جان دعا، او را برای انجام حیوانی ترین رسم انسان، به قبیله اش تحویل می دهد. فردی از قبیله اش دعا را ۵ روز پناه می دهد. اما مردان قبیله اش مردند. متعصبند. دعا جدای از آنکه عاشق مردی مسلمان شده، خود نیز به دین اسلام ایمان آورده، او را باید سنگسار کرد. مردان خانواده اش دعا را از خانه بیرون می کشند. روز مراسم فرا می رسد. هفتم آوریل ۲۰۰۷، دعا را با لباس گرمکن قرمز روی زمین می اندازند. ۹ مرد برای سنگ سار- سنگ سار نه، لگد سار - آماده اند. صدها مرد هم برای تماشا ایستاده اند. دعا روی زمین افتاده است. پایین تنه اش را برای تحقیر، برهنه می کنند و با سنگ و لگد بر جان نحیفش می کوبند.

مراسم سنگسار دعا در حالی انجام می شود که سه مرد پلیس عراقی با لباس نظامی ایستاده اند و این صحنه جنایتکارانه را تماشا می کنند. دعای ۱۷ ساله زیر دست و پای مردان خانواده اش لگد مال می شود. با دو دست صورتش را می پوشاد تا سنگ و لگد بر صورتش فرود نیاید. نیم ساعت است و هنوز دعا نفس می کشد. دستانش تکان می خوردند. تا آنکه عمو زاده اش (نامزدش) بلوک سیمانی را جلوی چشم صدها تماشاگر بر سر دعا می کوبد. دعا غرق خون می شود.....

صحنه هایی از این مراسم حیوانی توسط موبایل ها ضبط و یک هفته بعد منتشر می شود و موجی از خشم و نفرت را در جامعه کردها و در تمام دنیا بر می انگیزد. دعا دختر نوجوان به دلیل عبور از خط قرمزی که مردان متحجر طایفه اش ترسیم کرده اند، به دلیل عمل نکردن به قوانین غلطی که مردان مرتجع تیره اش وضع نموده اند، به دلیل پشت کردن به سنت های عقب مانده ای که مردان متعصب قبیله اش باور داشته اند، آری تنها و تنها به خاطر عشق ورزیدن و بر سر پیمان عشق ماندن از سوی اعضای خانواده اش مجرم شناخته می شود، در دادگاه ریش سپیدان خشک اندیش قومش محکوم می گردد، سلیمان سیو رهبر کنونی یزیدیان که حاکمیت مطلق را در

دست دارد حکم مرگ او را صادر می کند و حکم توسط مردان فامیل اجرا می شود. دعا کشته می شود تا هم تاوان جسارت خویش را داده باشد و هم برای دیگر دختران ایل آینه عبرتی گردد .

فصل شش (مقایسه شیطان پرستی در ادیان

مفهوم شیطان در طول قرن‌ها مورد مکاشفه قرار گرفته است. در اصل در سنت مسیحیان (جودو/مسیحیت یهودی)، شیطان به عنوان بخشی از آفرینش دیده شده است که در برگزیده قانونی است که می‌تواند در مقابل خواست خداوند مخالفت کند و با اختیار نام خود، قادر است مبارزه طلب باشد. (یادآور یکی از تفسیرهای یهودی که می‌گوید تنها زمانی که پتانسیل توانایی تخلف از خواست خدا را داشته باشید و با او مخالفت نکنید موجودی بسیار خوب خواهید بود) در خلال قرن‌ها این مفهوم به مخالفت صرف علیه خداوند تحریف شده است.

این دیدگاه که هر چیزی نقطه مقابل خود را دارد و خداوند (تماماً خوب) باید یک نیروی خدای بد (شیطانی) نیز در مقابلش باشد (بسیاری از الهه‌های قدیمی نیز این نیروهای بد را در خود داشته اند، به طور مثال تمدن مصر باستان نیز چنین باوری را داشته است).

میان آموزه‌های دین مسیحیت و بعد از آن اسلام، که هر دو پیروان بسیاری بدست آوردند و یک رستگاری اعلا را برای خود قائل هستند و به زندگی بعد از مرگ اعتقاد دارند، شیطان وجود دارد و در همه جهان بینی‌های الهی، شیطان سعی دارد خداوند را تحلیل برد و خراب کند.

با رشد رو به جلوی جامعه از دوران اصلاحات به دوران روشنفکری (قرون 17 و 18)، مردم در جوامع غربی به پرسش‌سوالاتی راجع به شیطان کردند و این شیطان نیز در پاسخ به تدریج بزرگ و بزرگتر شد، لذا شیطان پرستی به صورت یک رسم که با رسوم دینی گذشته مخالفت دارد ظهور پیدا کرده است. به علاوه شیطان پرستی بر مبنای آموزه‌های مخالف دین‌های ابراهیمی به مخالفت با خدای ابراهیمی پرداخته است. قدیمی‌ترین شاهد ثبت شده راجع به این واژه (شیطان پرستی) در کتاب "تکذیب یک کتاب" توسط توماس هاردینگ (1565) به چشم می‌خورد که در آن از کلیسای انگلیس دفاع می‌کند: "در خلال زمانی که مارتین لوتر برای اولین بار فرقه ملحد و شیطان پرست خود را به آلمان آورد...". در حالی که مارتین لوتر خود هرگونه ارتباطی را بین آموزه هایش و شیطان نفی کرد. کلمه شیطان در ابتدا از دین یهود آمده و در مسیحیت و اسلام تکمیل یافته است. این نگاه یهودی-مسیحی-اسلامی از شیطان می‌تواند به موارد زیر تقسیم شود:

یهود: شیطان در یهودیت، در لغت به معنای "دشمن" یا "تهمت زننده" است. و همینطور نام فرشته‌ای است که مومنین را مورد محک قرار می‌دهد. شیطان در یهود به عنوان دشمن خدا شناخته نشده است بلکه یک خادم خدا است که وظیفه دارد ایمان بشیریت را مورد آزمایش قرار دهد.

مسیحیت: در بسیاری از شاخه‌های مسیحیت، شیطان (در اصل لوسیفر) قبل از آنکه از درگاه خدا ترد شود، یک موجود روحانی یا فرشته بوده که در خدمت خداوندگار بوده است. گفته می‌شود شیطان از درگاه خداوند به دلیل غرور بیش از حد و خودپرستی ترد شده است. معتقدند شیطان کسی بوده که به انسان گفته است می‌تواند خدا شود، و موجب معصیت اصلی انسان در درگاه خدا شده است و در نتیجه از بهشت عدن اخراج شده است. از شیطان در کتاب یونانی "دیابلوس" به عنوان روح پلید (Devil) نیز نام برده شده است که به معنای "تهمت زننده" یا "کسی که به نا حق دیگران را متهم می‌کند". واژه Devil از فعلی به معنای "پرت کردن" یا "انتقال دادن" نشئات گرفته شده است. در حالی که لاوی ادعا کرده است که این واژه از زبان سانسکریت مشتق شده و به معنای الهه است.

اسلامی: کلمه شیطان satan در عربی "الشیطان" به معنای خطا کار، متجاوز و دشمن است. این یک عنوان است که معمولاً به موجودی به نام ابلیس صفت داده می‌شود. ابلیس یک جن بوده است که از خدا نافرمانی کرده است لذا توسط خدا محکوم شده است که به عنوان منبعی برای گمراهی انس و جن باشد و ایمان آنها را برای خدا بسنجد.

نقد شیطان پرستی

توصیه ای که شیطان پرستان به اطرافیان‌شان می کنند شنیدن آهنگ های تند همراه با خشونت است. که وحشت و نفرت را با خود دارد. آنها موظفند همیشه خشم و نفرت خود را نسبت به مسیح و سایر مقدسات اعلام کنند. آنها خود را بی خانمانی بیابانگرد می پندارند که از عشق و محبت متنفرند. در اصل آنها به جنگ با واقعیت خود پرداخته و به خیال خود به دنبال حقیقت گمشده و حقیقت واقعی هستند. آنان خوانندگان بسیار خشنی که در صدایشان می توان غرش را شنید، سمبل قدرت شیطان پرستی می‌دانند و معتقدند که این خوانندگان پیام شیطان را به آنها می‌رسانند. شیطان پرستان می‌خواهند کمبود و نیاز خود را با خشونت زیاد رفع کنند. اهانت به ادیان به عنوان آزادی بیان در تصنیف های خوانندگان‌شان ترویج و تبلیغ می شود.

امروز گروه های موسیقی شیطان پرست عملاً پرچم جنگ با خدا را بر افراشته اند و مدعی هستند که:

"هدف ما دستیابی به یک قدرت جهانی است"

"هیچگونه محدودیتی برای حوزه فعالیت‌های ما وجود ندارد"

"توده مردم باید صرفاً به وسیله ما اداره شوند"

گرچه بیشتر نقدها به اعتقادات شیطان پرستان از ناحیه ادیان بزرگ صورت می‌پذیرد، ولی بیشترین انتقادات به شیطان پرستی از طرف مسیحیان صورت می‌گیرد.

این ادعا که شیطان پرستی به طور صرف یک دین و فلسفه است در کنار معنای ضد آن تعریف می‌شود که چه چیزی به عنوان ریاکاری، حماقت و خطاهای مسیر اصلی فلسفه‌ها و ادیان ضعیف عمل می‌کند. همچنین این مباحث از ادراک معنی و طبیعت شیطان یا عبادت او از ادبیاتی که معمولاً ضد شیطان است شکل گرفته است. بسیاری از شیطان پرستان، شیطان را به عنوان یک نیروی سرکش معرفی می‌کنند. به هر حال آنها ادعا می‌کنند چنین هویتی بر مبنای قبول کردن اینکه شیطان موجودی یا قدرتی افضل است شکل می‌گیرد.

حال گفته می‌شود با توجه به اینکه شیطان به عنوان موجودی شناخته می‌شود که با خداوند مخالفت می‌کند، در صورت قبول کردن او به عنوان راهنما، باید با خودش نیز مخالفت کرد. (تناقض)

عالمان مسیحی بر این باورند که نمی‌توان هرگز از شیطان طبیعت نکرد چرا که هیچ کس معصوم نیست (به طور مثال، رستگاری یا کسب امنیت برای خود، حتی با این شرط که به دیگران ضرر رساند). حتی کسانی که از فلسفه خود پرستی تبعیت می‌کنند، تلاش می‌کنند چیزهایی که به عنوان خوبی فقط برای خودشان شناخته شده‌است را بدست آورند. این فلسفه دانان ادعا می‌کنند نتیجه این فلسفه اگر با قوانین خداوندگار تطابق نداشته باشد، تنها رنج، سردرگمی، انزوا و ناامیدی به همراه خواهد داشت.

شیطان پرستی یک "سراب فلسفی" و "علم بیان سنگین" است. چرا که گفته می‌شود لاوی در استفاده از لغات تبحر خاصی داشته است. شیطان پرستی یک طلسم کم ژرفای عقلانی از خدای ساخته شده توسط بشر است.

"انسان موجودی اجتماعی است و به انسان‌های دیگر احتیاج دارد". بعضی‌ها عقیده دارند شیطان پرستان درک اشتباهی از استقلال داشته‌اند و آن را به تنهایی تعبیر

کرده اند. استقلال می‌تواند شما را قوی تر کند ولی این غیر ممکن است شما به تنهایی خدا باشید. آنها بر این باورند که اگر کسی خود را خدا معرفی کند و ضمن استفاده از لایق دانستن خود، می‌تواند به عدم پذیرش حقیقت منجر شود.

یکی از نقدهای کاربردی تر شیطان پرستی اینست که ضمن این که شیطان پرستی معمولاً خود را به عنوان راه نجاتی برای توده‌های تسلیم شده مردم در مقابل دین‌های اصلی معرفی می‌کند، بر شایستگی‌های آنها در بی نیازی از دیگران و انزوا گرایی تاکید می‌کنند و انزوا گرایی می‌تواند به سوء استفاده‌های مختلفی ناشی شود، که معمولاً نیز چنین است. چرا که طبیعت انزواگرایانه شیطان معمولاً در بازخورد جوامع ناکار آمد است و برای جبران این خلاء از قوانین ادیان سنتی استفاده کرده است.

فهرست منابع

- توسلی، بابک، شیطان در موسیقی غرب، نشریه نگاه تازه، شماره سوم و چهارم، صفحه 147.
- توکلی، محمد رئوف، تاریخ تصوف در کردستان: چاپ اول، تهران، توکلی، 1378.
- عبدالهی خوروش، حسین، تاثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ناشر: بنگاه مطبوعاتی مطهر اصفهان.
- سخنرانی دکتر حسین عباسی با عنوان "شیطان شناسی مدرن و عینیت یافتن شیطان در قرن 21".
- معمر، کیوان، مهندسی صنایع گرایش تولید صنعتی، ورودی سال 1381، نقدی بر انواع و گروه‌های شیطان پرستی، استاد راهنما: کریمی، معارف اسلامی 2، دانشگاه علم و صنعت ایران، پائیز 1384.
- مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- ..I. Epstein, The Babylonian Talmud, 16 vols. in 7 parts, London: Socino Press, - 1978.
- .The Hebrew Story in the Middle Ages, Jerusalem: Keter Publishing House -1974
- .Hebrew Myths. The Book of Genesis (with Raphael Patai). New York: -Doubleday, 1964
- www.regalia.persianblog.com
- [www. Phalls.com](http://www.Phalls.com)
- www.prophetodarkness.persianblog.com
- www.wikipedia.com
- www.prophetodarkness.persianblog.com
- www.satan101.com
- [www.the_watchman_expositor Satanism.com](http://www.the_watchman_expositor_Satanism.com)
- www.dpjs.co.uk.com
- [www.church of satan.com](http://www.church_of_satan.com)
- www.satanic-bible.blogfa.com/8601.aspx - 36k
- www.prophetodarkness.persianblog.com
- www.fa_wikipedia.org/wiki
- www.persiantoos.com
- www.zeyton.com
- www.zeitoon.net/1/d.html - 23k
- www.ioodi2.blogfa.com/85072.aspx - 22k
- www.fa_wikipedia.org/wiki
- www.xy1.persianblog.com/1383_1_22_xyx1_archive.html
- www.roonaka.blogspot.com/2005/05/blog-post_31.html
- www.pezeshk.us/?p=7757
- www.fa_wikipedia.com
- reza.malakut.org/archives/006914.html - 13k